

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه

گلزار تعویذات

کتاب علوم غریبه

کافی رود کو

تاریخ: ۱۳۵۴ خورشیدی

به سفارش ناصر خسرو

مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

انحمد لله رب العالمين وفات فرخنده حالات کتاب تعویذات مفید ہر حاجات

گلزار تعویذات

و
مجریات عملیات

باب اول

در بیان هر قسم عمل بیماری!

از برای تبیه هر روز عمل ذیل نوشته هزار بار به تجربه آمده این حقیر را از دست
پدر بزرگوار خود با جازت رسیده تعوذ این است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝ بِرَدِّهِ چپ به بند و

بر دوست چپ به بند و

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا مَحْيِطُ
بر دست راست بر بند

بر دست راست بر بند و

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا مُحِيطُط

برگردان به بندرود

بعد از آنکه کتیبایت ذیل نوشته شده را بنویسد چگونه که لو ختم و بر پارچه سبز کهنه پیچیده
سازند کدام وقت که تب بر صاحب تب آید باز یک پلیته ازاں گرفته سران را آتش
داد و در آن بر بینی خود نگه دارد حتی که پلیته تمام شود یکی بعد و یکی بعد و هر سه روز
ختم سازند بحکم خدا عز و الله، بیا ریش در سه روز دفع گردد

بلینہ اینست

چکدیس مادیس پیر تانک شیخ فجدیس

چکدیس مارگیس پیر نانک شیخ فحادیس

چکریس ماویس پیرنا نک شیخ فجدیس

برائے تب اول روز یعنی کہ برصاحب از برائے تہ دوم روز یعنی

نقش هر روز تب دوده میکند که تب بر صاحب تب روز در

تعمیر ذیل نقش شده را بروز میان دوره میکند این تعوید را

جمعه مبارک نوشته بر گلم به سند و نوشته در بار حضرت سفید و وخته

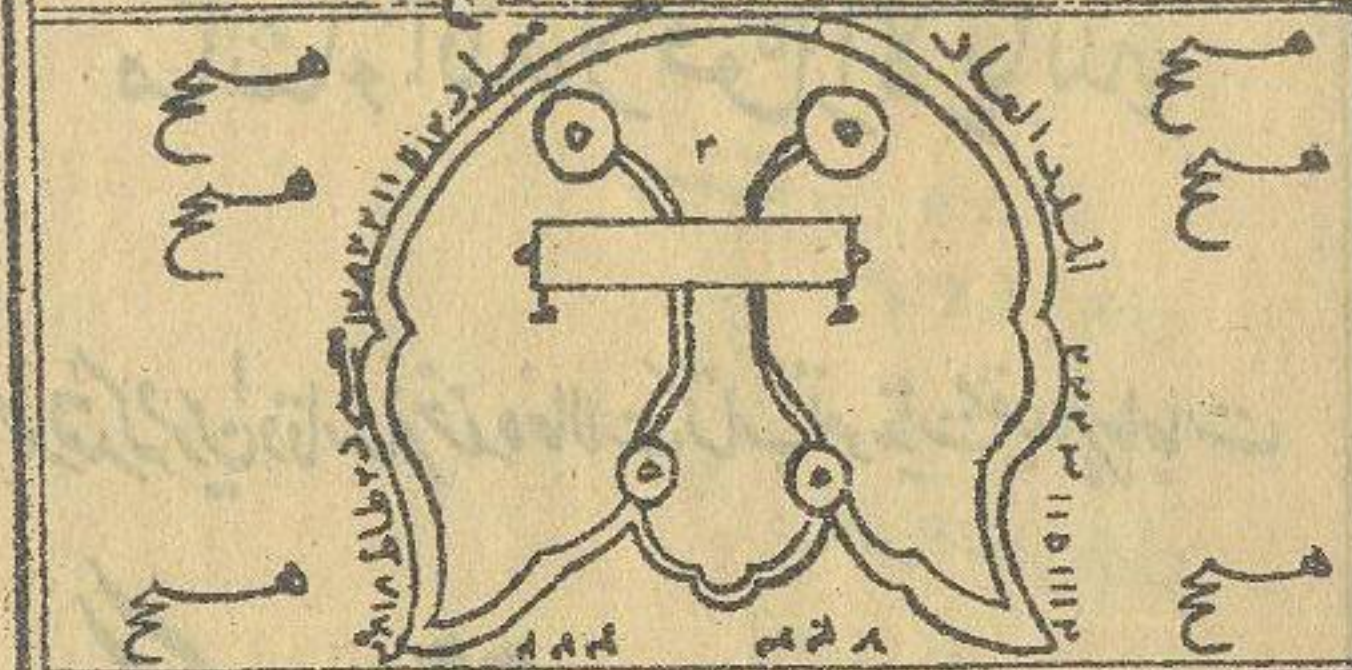
از برای تیرہ دم روز یعنی

که تب بر صاحب تبه روز و در

میان دوره میکند این تعوید را

نورشته در یار حمید و وقت

مذکور است که هر روز بر این صورت مبارک که شبیه است بمشال اخیل
مبارک رسول الله صلی الله علیه و آله بکار نظر کنند چنان باشد که هزار بار از او
گفته باشد هر آدمی بی شک از خدا صدقه ای و هزار حج کرده باشد این است



دکوز است که هر که مکتب حق بنویسد و در میان توده دریا نرزد و نوشد و با خود
دارد و هر روز از آب بنهد و آب با کاه و مرغ به شهادت دارد و ایمان نرزد و سانس
شما با محفوظ ماند و دشت قوی کرد و دشت شمشاد مقهور شوند و در
نظر مردم با هیبت نماید و هر صاحب که از خدا خواهد بی شک بیاید

[illegible]

په دره د خدای په دره و رسول د خدای په دره د جیه قرآن شریف په دره
د خور و واله یارانو په دره د پیر استاد صاحب .:

از برائے تہہ سوگم روز بسیار بار تجربه آمدن این عمل از دست فخر سیدان چڑی بابا صاحب
مرحوم بانی مسجد پیر بابا صاحب بدستم رسیده و با اجازت گرفته ام لذا در اینجا درج میسازم
این است۔

یوسف حبیب پور

بر دست راست پر بند

از گنجینه بهر بنفرد

ط ط ط ط ط
ط ط ط ط ط
ط ط ط ط ط
ط ط ط ط ط

يا محيط

ط ط ط
ط يا مي ط ط ط
ط ط ط ط ط

این تعزید برای منتهی سولیم روز است

ایں تعویذ برائے تہہ ہر قسم است

689

647

يا محييط	يا محييط	يا محييط	يا محييط
يا محييط	يا محييط	يا محييط	يا محييط
يا محييط	يا محييط	يا محييط	يا محييط
يا محييط	يا محييط	يا محييط	يا محييط

ياسليمان	ياسليمان	ياسليمان	ياسليمان
ياسليمان	ياسليمان	ياسليمان	ياسليمان
ياسليمان	ياسليمان	ياسليمان	ياسليمان
ياسليمان	ياسليمان	ياسليمان	ياسليمان

نوع دیگر برای تب سوم روز نبرد بنده خاکسار بار بار آزموده شده است این را نوشته و کپی کرده
سفید و پخته برگردن به بنده تبه زود دفع شود.

قظ	حاحا	کمر	حاحا
قظ	حاحا	کمر	حاحا
قظ	حاحا	کمر	حاحا
قظ	حاحا	کمر	حاحا

از برای تبه هر روز اور اور روز جمعہ با وضو تام نوشتہ برگلوئے بیمار بہ بند دانست .

نقشہ بر منی ۶

بکم خداوند کریم شفا یاب گردد
تعویذ اینست۔

برگردن به بند دیکم خدا پاک
زود و شفایا بدتعویذ این است

يارحمن	يارحمان	يارحمان
يارحمان	يارحمان	يارحمان
يارحمان	يارحمان	يارحمان
يارحمن	يارحمان	يارحمان

تعب و نیناس برائے تپ روز
سودم بدست آمدہ تجربہ شدہ این است

ياستار	ياستار	ياستار
الرحيم	الرحمن	بسم الله
ياستار	ياستار	ياستار
الرحيم	الرحمن	بسم الله

تعود ذیل نوشته نیز برائے تہہ سویم روز اول تعویذ را بردست راست به بند دوم را بردست
چپ سویم را برگردن به بند این است.

يا محيط اساما	يا محيط باسا	يا محيط جاسا
---------------	--------------	--------------

از برائے تبه سویم روز ترتیب این است که هفت رشته از تار خام یکجا کند و هفت بند او را داده و بر هر بند سه بار درود شریف و یکبار الحمد بخواند هرگاه که این ترتیب کرده باز برگوئد بیمار به بند و بستن خالص بر عقد گوئد بیمار باشد نه بستن بعد بسوئد پشت کند. نودت بستن بند در همه ذیل رشته شده را عامل بگویند امید که در اندک عرصه ازین نپ زهر ناک بفضل خدا غزاسمه شفا حاصل یا بداین عمل بایں کترین فیضان سوات از دست یک ملا صاحب سکنه پٹن آباد سندھ کوستان رسیدہ بود در همه این است۔

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

د	د	د	د	د	د	د	د	د	د
ط	ط	ط	ط	ط	ط	ط	ط	ط	ط
و	و	و	و	و	و	و	و	و	و

سحر سحر سحر سحر سحر سحر سحر سحر سحر سحر

برای تبه سوئم روز زشته برگردن
به بند آرموده شده است

یا الله	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله
یا الله	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله
یا الله	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله
یا الله	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله

از برای تبه هر قسم لیکن بیچار و بادریجار
برین تعویذ زشته بم بشود برگردن به بند

فلان بن فلان

برای تبه هر قسم از زنده و غیره روز جمعه شریفه
زشته میکند و

بسم الله الرحمن الرحيم یا محیط	بر دست راست
بسم الله الرحمن الرحيم یا محیط	بر دست چپ
بسم الله الرحمن الرحيم یا حسن	بر دوش راست
بسم الله الرحمن الرحيم یا حسین	بر دوش چپ
بسم الله الرحمن الرحيم یا فاطمه	بر سینه
بسم الله الرحمن الرحيم یا علی	بر سر

از برای تبه هر قسم بسیار بار به نزد این خاک
به تجربه آمده است

یا آدم	یا حواری	یا علی	یا ناطق
یا محمد	یا خدیجه	یا یوسف	یا یحیی
یا حسین	یا شهر بانو	یا مهر	یا زکریا
یا جبرائیل	یا میکائیل	یا اسرافیل	یا عزرائیل

این آیه شریفه بری تبه هر قسم این سه کورت
زشته در آب شسته سه مرتبه بخورد بمکمل
فدا دهنه کرم ممت یا بدر فلما تجل ربه للجبل جعله دکا و خر موسی صعدا ط

از برای تبه هر که باشد خصوصا از روز جمعه مبارک تحریر نموده عزیز باید داشت

ذکریا علیه السلام | عیسی علیه السلام | ابلیس علیه اللعنت | شیطان علیه اللعنت

از برای بازوی راست به بندد | بر بازوی چپ به بندد | بر پاشنه راست به بندد | بر پاشنه چپ به بندد

از برای تبه شهر این است

بسم الله	الرحمن	الرحیم
وما	محمد	الا
ر	سو	ل

از برای تبه دوم روز سه و دهمای سیزده زشته بدرجه درجه نیمه راند سه مرتبه بخورد و

ارطاله | بر طاله | ابسطاله

باب دوم

در تعویذات در دهم و در تمام

برای دفع کردن نیم سراسر از پدرم بخورد
موسر شده



۱۶	۱۱	۱۸
۴۱۴	۱۵	۱۳۳
۱۲۲	۱۹۹	۱۲۳

برای دفع در دهم سراسر است

یا الله ۹۲	یا محمد ۳۹	یا الله ۳	یا محمد ۹۷
یا الله ۳۷	یا محمد ۲۱	یا الله ۳۹	یا محمد ۳۹
یا الله ۲۱	یا محمد ۳۵	یا الله ۲۲	یا محمد ۲۲
یا الله ۹۹	یا محمد ۹۲	یا الله ۹۹	یا محمد ۹۹
یا جبرائیل ۴	یا میکائیل ۴	یا اسرافیل ۴	یا عزرائیل ۴

برای دفع در دهم سراسر است



ن	ن	ن
ن	ن	ن
ن	ن	ن

برای دفع در دهم سراسر است

حم	حم	حم
حم	حم	حم
حم	حم	حم
ح	ح	ح
ح	ح	ح

برائے در دیم سرجمائی و در و به بند

یا احمد	یا احمد	یا احمد
یا احمد	یا احمد	یا احمد
یا احمد	یا احمد	یا احمد

نوع دیگر برائے در دیم سر این است

یا رحیم	یا رحیم	یا رحیم	یا رحیم
یا رحیم	یا رحیم	یا رحیم	یا رحیم
یا رحیم	یا رحیم	یا رحیم	یا رحیم
یا رحیم	یا رحیم	یا رحیم	یا رحیم

از برای در دیم سر است



نوع دیگر برای در دیم سر است



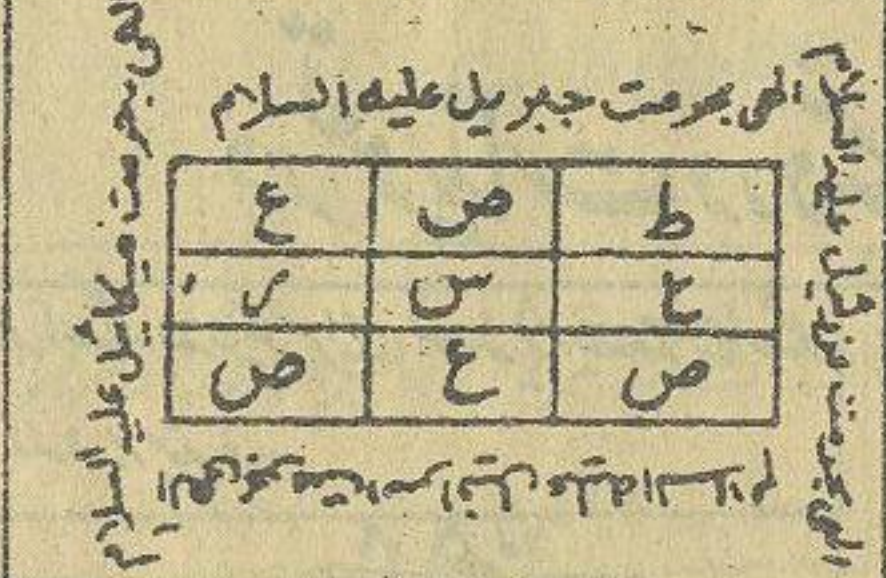
برائے در دیم سر تعویذ کریم این است

یا بدوح	یا بدوح	یا بدوح
یا بدوح	یا بدوح	یا بدوح
یا بدوح	یا بدوح	یا بدوح

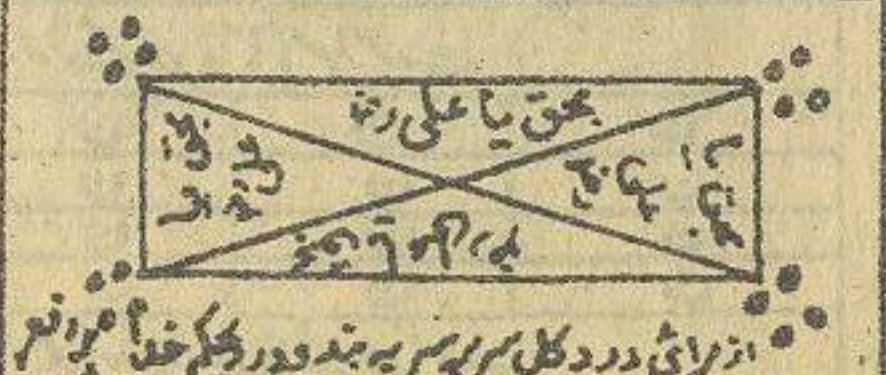
نوع دیگر برائے در دیم سر است

یا روح	یا روح	یا روح
یا روح	یا روح	یا روح
یا روح	یا روح	یا روح

برائے در دیم سر است



نوع دیگر برائے در دیم سر است



یا الله	یا الله	یا الله
یا الله	یا الله	یا الله
یا الله	یا الله	یا الله

از برای در دیم سر تعویذ کریم این است که هرگاه در دیم سر آید این آسمانے فریل نرشته پیشانی بنویسد و در دیم سر اگر در دست یک چترالی در شهر منگوره وصول شده

یا الهی بحرمت ابو حنیفة نعمان بن ثابت رھی الله عنه

از برای در دیم سر است ایست



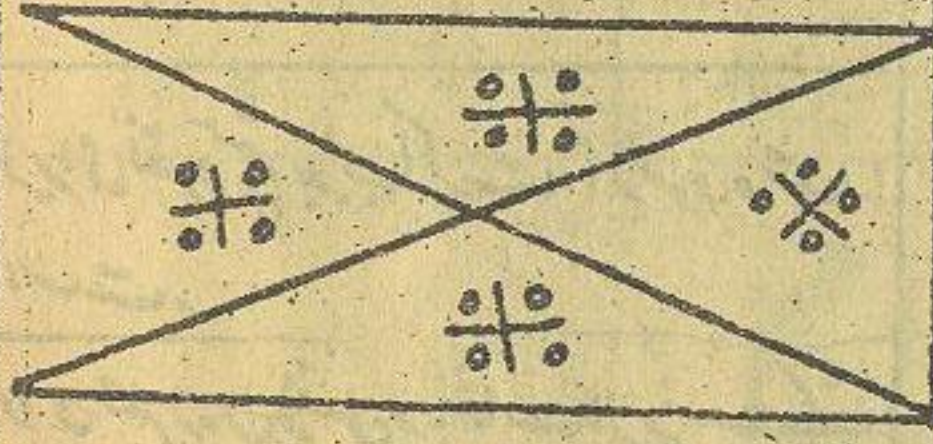
برای در دیم سر است

ص	ص
ص	ص

برای در دیم سر گاو این است

فرعون	فرعون
شاه	شاه
شیطان	شیطان

برای دیم سری است



مختبہ ربہ الاخرة - هفت بار بخواند و بر سر قف کند بحکم خدا پاک و در دیم سر اگر در این اذن از دست پدم بزرگوار وصول شده آزموده است -

باب سوم

در بیان تعویذات و عملیات نظر که بر کس یا به چیز چشم بد آموده باشد

از برای نظر و چشم بد است بروز مجرشته بر کلاه یا به گردن به بند

یا الله	یا الله	یا الله	یا الله
یا الله	یا الله	یا الله	یا الله
یا الله	یا الله	یا الله	یا الله
یا الله	یا الله	یا الله	یا الله

از برای خوف کردن دکان اینست

یا سلیمان	یا سلیمان	یا سلیمان	یا سلیمان
یا سلیمان	یا سلیمان	یا سلیمان	یا سلیمان
یا سلیمان	یا سلیمان	یا سلیمان	یا سلیمان
یا سلیمان	یا سلیمان	یا سلیمان	یا سلیمان
یا سلیمان	یا سلیمان	یا سلیمان	یا سلیمان
یا سلیمان	یا سلیمان	یا سلیمان	یا سلیمان
یا سلیمان	یا سلیمان	یا سلیمان	یا سلیمان
یا سلیمان	یا سلیمان	یا سلیمان	یا سلیمان
یا سلیمان	یا سلیمان	یا سلیمان	یا سلیمان
یا سلیمان	یا سلیمان	یا سلیمان	یا سلیمان

برای دفع آسیب و مرگ این است

۴	۵	ع	۷
۳	۳	۱۸	۳
۹	۳	۱۸	۳
۷	۱۰	۶	۶
برای ترسیدن صبیان و خوردان			
علیق	علیق	علیق	انت معلع
ما فی	قلو	الوام	الوام
یا بدوح	یا بدوح	یا بدوح	یا بدوح

از برای دفع آسیب دیو و پری یا مثل آن نوشته کنند بر گردن به بندد.

یا سلیمان	یا بدوح	یا سلیمان	یا بدوح
یا بدوح	یا سلیمان	یا بدوح	یا سلیمان
یا سلیمان	یا بدوح	یا سلیمان	یا بدوح
یا بدوح	یا سلیمان	یا بدوح	یا سلیمان

از برای دفع ضرر و آسیب جنیات این تعویذ از دست بهرام مپی استاد

باین کترین با جازت رسیده ترکیب عمل این است. اول آب ابر سوره منزل هفت بار دم کنند و دوانی که آزار از زبان پشتو (کاگه و نیله) گویند بدن بیمار انداخته و آب بدم شده را بالای آن بدن بیمار بپاشند از که آب و کاگه هر دو بشکم رود و تعویذ ذیل نقش شده را بر گردنش بسته بفضول خداوند کند و بپیران از دور گرد و دوحمت یاب شود تعویذ موصوف.

این است عزیز باید داشت

یا هو	یا هو	یا هو	یا هو	یا هو	یا هو
یا هو	یا هو	یا هو	یا هو	یا هو	یا هو
یا هو	یا هو	یا هو	یا هو	یا هو	یا هو
یا هو	یا هو	یا هو	یا هو	یا هو	یا هو
یا هو	یا هو	یا هو	یا هو	یا هو	یا هو
یا هو	یا هو	یا هو	یا هو	یا هو	یا هو
یا هو	یا هو	یا هو	یا هو	یا هو	یا هو
یا هو	یا هو	یا هو	یا هو	یا هو	یا هو
یا هو	یا هو	یا هو	یا هو	یا هو	یا هو
یا هو	یا هو	یا هو	یا هو	یا هو	یا هو

نوع دیگر برای پیران بگردن به بندد

یا بدوح	یا بدوح	یا بدوح	یا بدوح
یا بدوح	یا بدوح	یا بدوح	یا بدوح
یا بدوح	یا بدوح	یا بدوح	یا بدوح
یا بدوح	یا بدوح	یا بدوح	یا بدوح

نوع دیگر برای دفع آسیب پیران

یا محمد	یا محمد	یا محمد	یا محمد
یا محمد	یا محمد	یا محمد	یا محمد
یا محمد	یا محمد	یا محمد	یا محمد
یا محمد	یا محمد	یا محمد	یا محمد

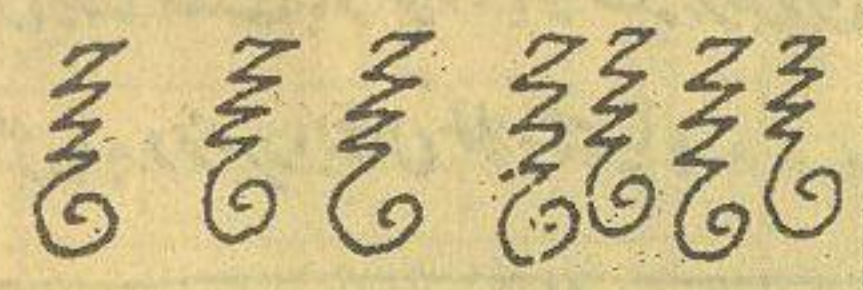
برای دفع آسیب دیو و پریان

سلیمان	الوام
یا سلیمان	الوام
سلیمان	الوام
سلیمان	الوام

نوع دیگر برای دفع آسیب و ضرر پیران و دیوان و شیطانان

جلوسا	جلوسا
جلوسا	جلوسا

بلیتر برای دفع آسیب پیران



برای ترسیدن صبیان و خوردان

و	و	و	و
و	و	و	و
و	و	و	و

ایضا برای دفع ضرر پیران

الوان	الوان	الوان	الوان
الوان	الوان	الوان	الوان
الوان	الوان	الوان	الوان
الوان	الوان	الوان	الوان

ملوسا	ملوسا
ملوسا	ملوسا

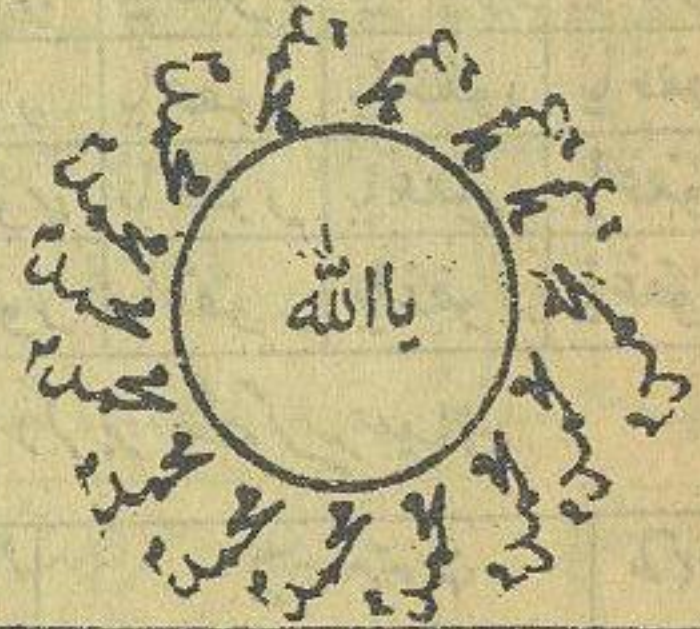
یعقوب	یعقوب	یعقوب	یعقوب	یعقوب
یعقوب	یعقوب	یعقوب	یعقوب	یعقوب
یعقوب	یعقوب	یعقوب	یعقوب	یعقوب
یعقوب	یعقوب	یعقوب	یعقوب	یعقوب
یعقوب	یعقوب	یعقوب	یعقوب	یعقوب

برای دفع و دور کردن آسیب جنیات این را نوشته کسیکه آسیب پیران از رخ سال می باشد بر گردن بسته بفضول خداوند قدوس ضرر دیو و پری از بیمار دفع خواهد گردان و تعویذ از دست ایک ملا صاحب پشن وصول شده بود.

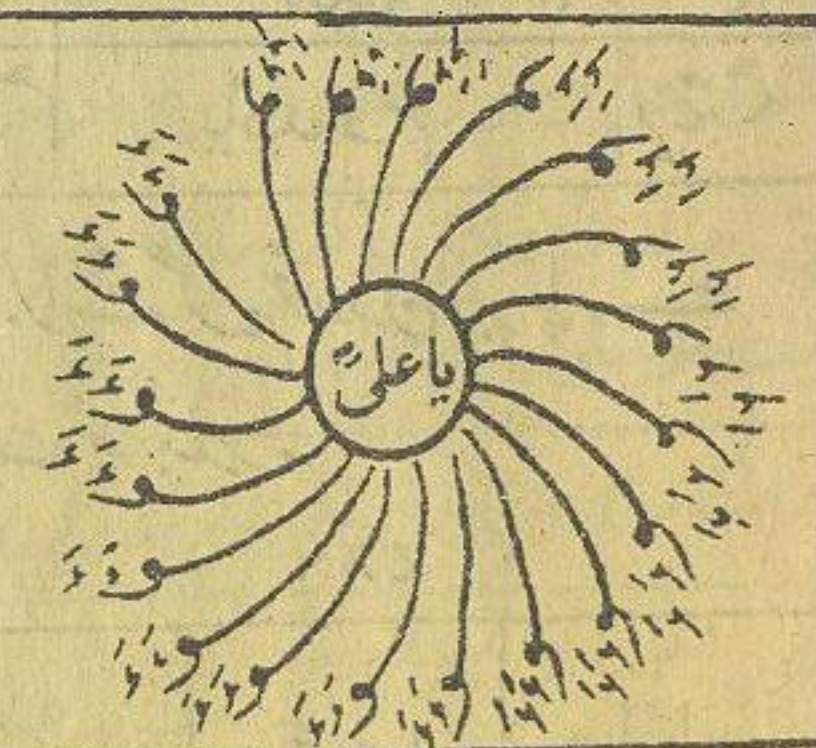
باب ششم

در بیان تعویذات درد ناف است

از برای بیجا شدن ناف بجائے ناف
به بندر آزموده شده است

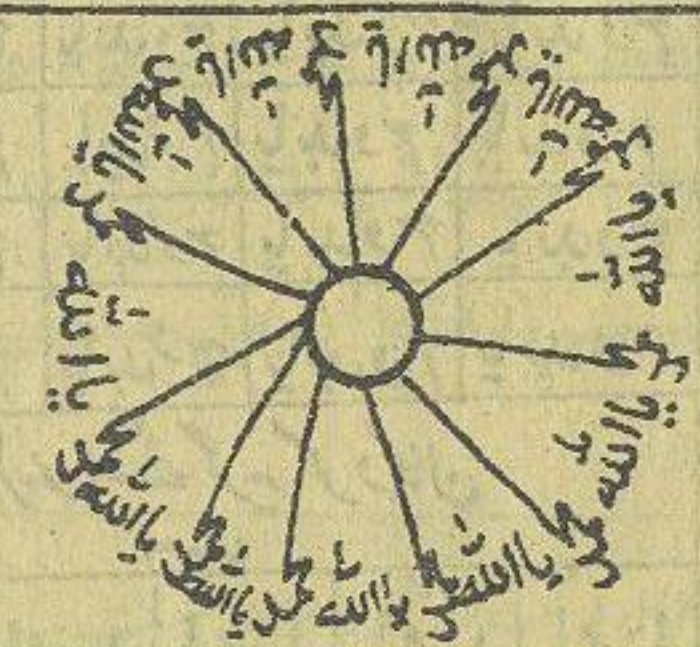


برای درد ناف بر ناف به بندر

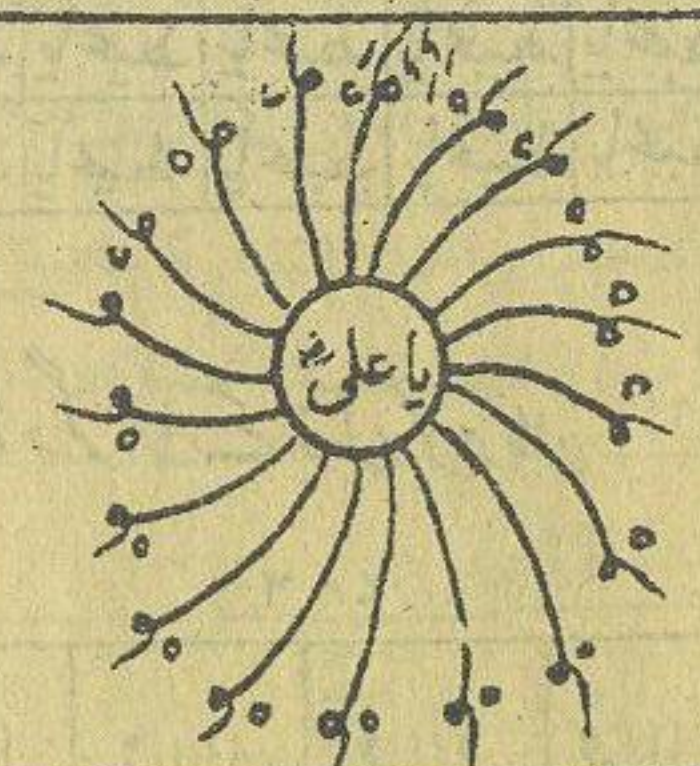


نوع دیگر برائے درد ناف بدست راست به بندر -

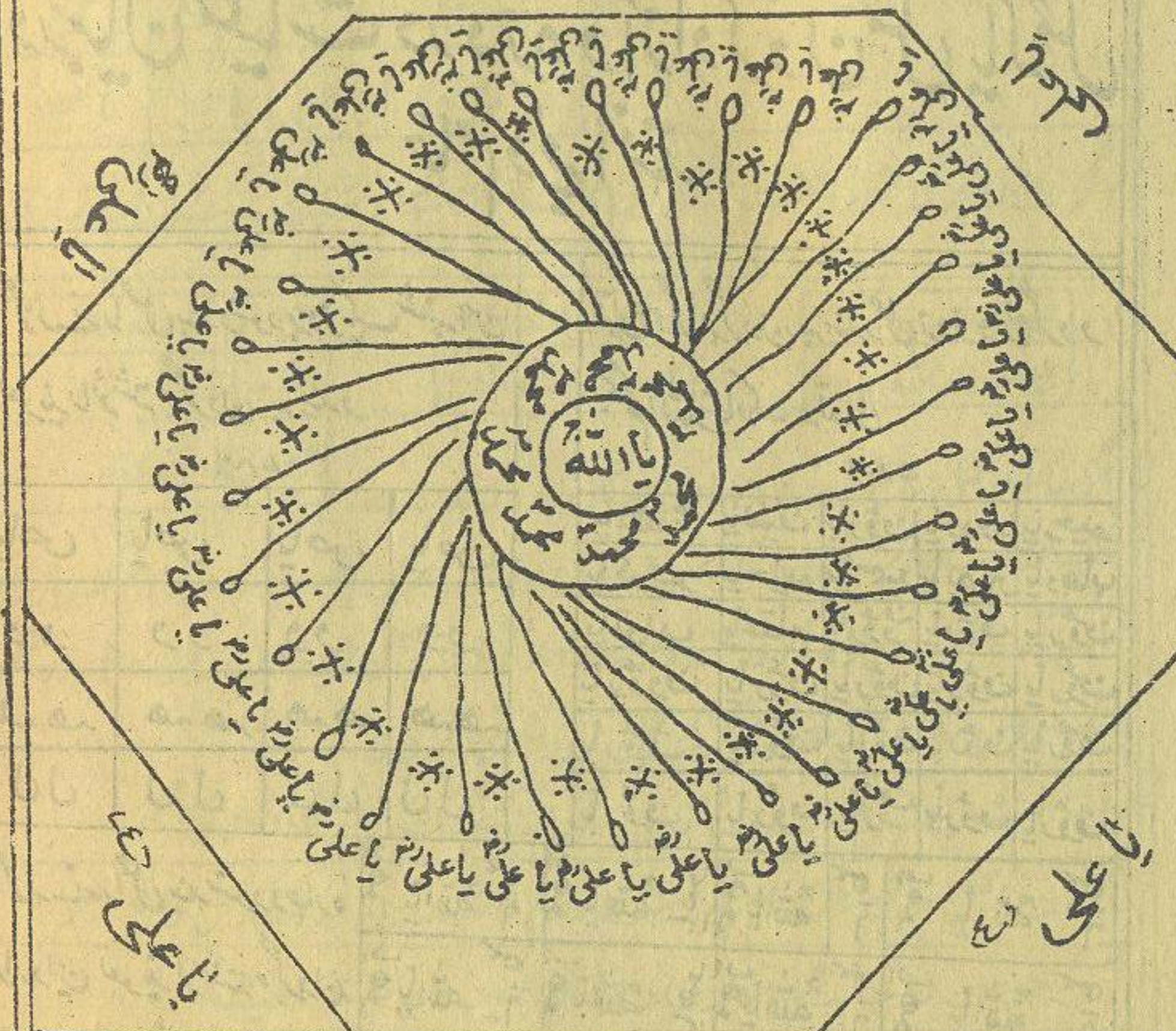
نوع دیگر اگر کسی راناف رفته باشد این
تعویذ نوشته بدست راست به بندر



نوع دیگر از پدرم بزرگوار با جازت رسیده



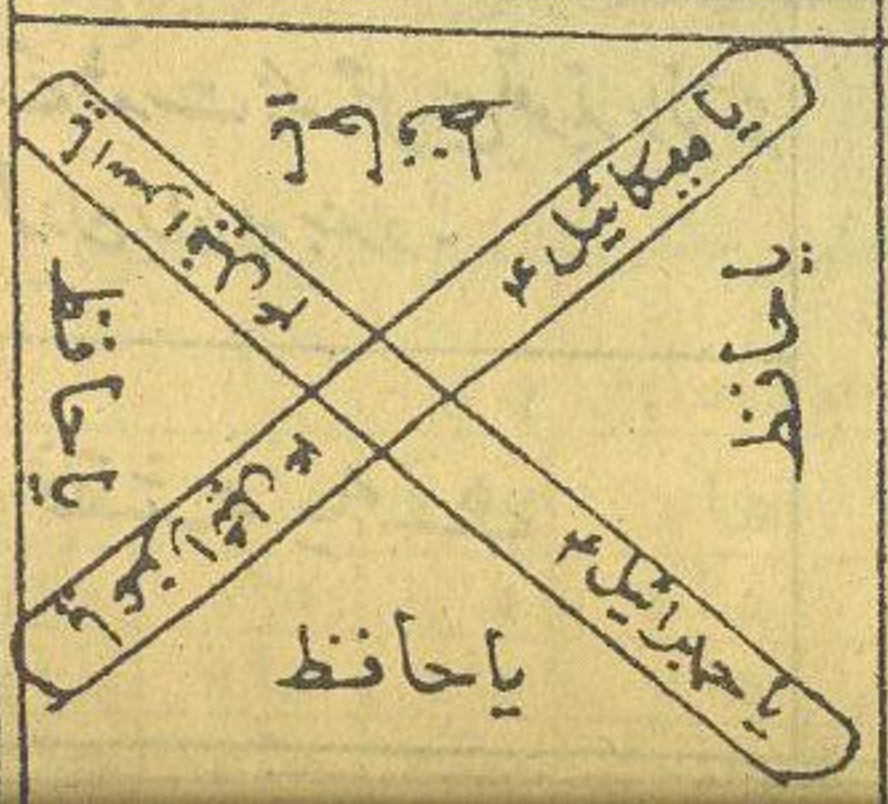
نوع دیگر برائے درد ناف است بروز جمع نوشته بدست راست خود به بندر این تعویذ از دست
چیزی بابا صاحب مرقوم بان مسجد میر بابا صاحب! این کترین با جازت رسیده آزموده شده
است این است -



از برائے ناف برگردن به بندر -

یا کریم	یا کریم	یا کریم	یا کریم
یا کریم	یا کریم	یا کریم	یا کریم
یا کریم	یا کریم	یا کریم	یا کریم
یا کریم	یا کریم	یا کریم	یا کریم
یا کریم	یا کریم	یا کریم	یا کریم

برائے ناف بدست راست به بندر



باب هفتم

در بیان عملیات در دزّه و آزاد کردن حمل یا که حمل خام و کپه افتد

گزنه راحل بند شود بر دزیک شنبه این
تعویذ را نوشته برگردن به بندد.

۷۸۶

یا ص	یا ص	یا ص	یا ص
و	و	و	و
ه	ه	ه	ه
ل	ل	ل	ل

نوع دیگر برگردن به بند حمل زود واقع گردد
بحکم الله تبارک و تعالی

۷۸۶

یا الله	یا لطیف	یا رؤف	یا ودود	یا رحیم
یا کریم	یا حلیم	یا سمیع	یا بصیر	یا قهار
یا قیوم	یا معز	یا مجیب	یا غنی	یا قیوم
یا رؤف	یا رؤف	یا رؤف	یا رؤف	یا رؤف
یا رؤف	یا رؤف	یا رؤف	یا رؤف	یا رؤف
یا رؤف	یا رؤف	یا رؤف	یا رؤف	یا رؤف

اگر زنه راحل بند شود و چاره
ندارد این تعویذ نوشته برگردن
به بندد راحل یابد

۷۸۶			
ح	ح	ح	ح
ح	ح	ح	ح
ح	ح	ح	ح
ح	ح	ح	ح
نقشه یه			

اگر زنه راحل خام میسر و دو کمال
نگردد این تعویذ نوشته برگردن به بندد بحکم
خدا پاک حمل قائم باند تا از مدت خود برقرار
باشد.

یا جمع	یا جمع	یا جمع	یا جمع
یا جمع	یا جمع	یا جمع	یا جمع
یا جمع	یا جمع	یا جمع	یا جمع
یا جمع	یا جمع	یا جمع	یا جمع

اگر زن را بچه نمی شود و سخت باشد این هفت شاخت نوشته یک در وقت نماز بخورد

جمع سر الله الله الله	جمع سر الله الله الله	جمع سر الله الله الله
جمع سر الله الله الله	جمع سر الله الله الله	جمع سر الله الله الله
جمع سر الله الله الله	جمع سر الله الله الله	جمع سر الله الله الله

اگر حامله راحل بند شود و چاره ندارد این عمل کرده که قدری
نمک را بنجوب طور میده کرده و آیه شریفه ذیل نوشته را برین نمک یا زده بار دم کند باز از آن
نمک یک انگشت بسایه آلوده کرده بر بان نمک که ذوق آن فرورود و دیگر بهر دو چشم
اشک رواں سازد بحکم خداوند کریم حمل زود واقع گردد.
آیه شریفه اینست. اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَفْصِلاً

اگر زن راحل بند شود این معرعه نوشته بران راست زن به بند حمل واقع شود
خوشت را جائی ده زن دهقان بمیرد یا بداید
اگر زن راحل نه شود و از پنج سال عقیقه (سندس) باشد این نقش را بر روز جمعه شریفه
تحریر کند در آب شسته بوقت خفتن بنوشد و مجامعت بکند بحکم خداوند کریم حمل گیرد
نقش معز و کلام این است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
له له له لیس لیس ده ده لوالو منا هو ی هه طله له ۱۲ ۱۲ ۱۲

ها	ها	ها	ها	ها	ها	ها
ها	ها	ها	ها	ها	ها	ها
ها	ها	ها	ها	ها	ها	ها
ها	ها	ها	ها	ها	ها	ها

باب نهم

در تعویذات چپک و جانگره و نچوله و نوکی

برائے چپک خوردان برگردان به بند

برائے نچوله خوردان و کورکان

الله	الله	الله	الله
یا الله	یا الله	یا الله	یا الله
۸	۱	۶	یا الله
۳	۵	۷	یا الله
۲	۹	۲	یا الله
یا الله	یا الله	یا الله	یا الله

یا غفور	یا غفور	یا غفور	یا غفور	یا غفور
یا غفور	یا غفور	یا غفور	یا غفور	یا غفور
یا غفور	یا غفور	یا غفور	یا غفور	یا غفور
یا غفور	یا غفور	یا غفور	یا غفور	یا غفور
یا غفور	یا غفور	یا غفور	یا غفور	یا غفور
یا غفور	یا غفور	یا غفور	یا غفور	یا غفور

برائے چپک برگردان به بند

برائے نچوله خوردان و صبیان

الله	الله	الله	الله
ح	ح	ح	ح
۱۱	ح	ح	ح
علم	علمه	حلوا	۱

هم	هم	هم	هم
هم	هم	هم	هم
برهم	برهم	برهم	برهم
برهم	برهم	برهم	برهم

برائے چپک برگردان به بند

برائے جدری یعنی چپک و نوکی

اکبر	اکبر	اکبر	اکبر
اکبر	اکبر	اکبر	اکبر
اکبر	اکبر	اکبر	اکبر
اکبر	اکبر	اکبر	اکبر

یا محمد	یا محمد	یا محمد	یا محمد
یا محمد	یا محمد	یا محمد	یا محمد
یا محمد	یا محمد	یا محمد	یا محمد
یا محمد	یا محمد	یا محمد	یا محمد

برائے نوکی اسکی چپک و جانگره طفلان و خوردان است برگردان به بند نیست .

۷۸۶

یابدوح	یابدوح	یابدوح	یابدوح	یابدوح
یابدوح	یابدوح	یابدوح	یابدوح	یابدوح
یابدوح	یابدوح	یابدوح	یابدوح	یابدوح
یابدوح	یابدوح	یابدوح	یابدوح	یابدوح
یابدوح	یابدوح	یابدوح	یابدوح	یابدوح

از برائے چپک است بروز جمع بنویسد

نوع دیگر برائے چپک است

ع	ع	ع	ع	ع
ع	ع	ع	ع	ع
ع	ع	ع	ع	ع
ع	ع	ع	ع	ع
ع	ع	ع	ع	ع
ع	ع	ع	ع	ع

نصر	من	الله	و
فتح	قریب		و
بشر	المؤمنین	فا	
الله	خیر	حا	فعا
رهو	ارحم	الرا	سین

نوع دیگر برائے چپک از دست میان گل صاحب سواتی عالم بخوری وصول شده

احمد	احمد	احمد	احمد	احمد
احمد	احمد	احمد	احمد	احمد
احمد	احمد	احمد	احمد	احمد
احمد	احمد	احمد	احمد	احمد

برای چپک است بروز جمع بنویسد

برائے نچوله خوردان و کورکان

وقل جاء الحق و بردست است به بند
نهق الباطل ان بردست چپ به بند
الباطل کان نهوقا برگردان به بند

۹ یا هو	۹ یا هو
۶ یا الله	۶ یا الله

در تعویذات تجارت و سوداگری است

نوع دیگر برای تجارت و سوداگری از
جناب قبله گاه صاحب مرحوم یا تجارت
رسیده مجرب و آزموده است -

حاجی باب ۱۳
فاطمہ باب ۴

محمد جالب

五

منه

برائے تجارت و سوداگری بروز جمعہ نویسد برگردن یا بدست راست پہ بندو

۴۴۴۴۴	۴۴۴۴۴	۴۴۴۴۴	۴۴۴۴۴	۴۴۴۴۴	۴۴۴۴۴۴
۵۱۲	۵۱۲	۵۱۲	۵۱۲	۵۱۲	۴۴۴
۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴۴۴	حاحاحا
اسم سوناگر مع اسم پیر	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۵۵۵	۴ حاحاحا

باب بیست و نهم !

در تعویذات قمارع که با فغانی آنرا غور گویند

برائے قمار بجائے قمار یہ بند

[illegible]

الله	الله	الله	الله
الله	الله	الله	الله
الله	الله	الله	الله
الله	الله	الله	الله

نوع دیگر برائے قمار اے برائے غور در ماه صفر المظفر در آخر چهارشنبه نوشته برگویہ بند
بحکم خداوند اقدس قمار خشک و پست شود۔

[illegible]

برائے قناع بروز جمعہ شریفہ در میان سنت و فرض بنویسید برگردن بہ بند۔

یا قادر	یا قادر	یا قادر	یا قادر	یا قادر
یا قادر	یا قادر	یا قادر	یا قادر	یا قادر
یا قادر	یا قادر	یا قادر	یا قادر	یا قادر
یا قادر	یا قادر	یا قادر	یا قادر	یا قادر

نوع دیگر برائے قماع از دست پدر صاحب مرحوم باجارت رسیده است انمیت

684

يا جبرائيل عليه السلام يا الله يا الله يا الله يا الله ج يا الله ج	يا ميكائيل عليه السلام يا الله يا الله يا الله يا الله ج يا الله ج
يا الله يا الله يا الله يا الله ج يا الله ج	يا الله يا الله يا الله يا الله ج يا الله ج

نوع دیگر برائے غور در ماہ صفرہ آخر چہار شنبہ بنویسد بگردن بہ بند دانلیست ۔

624

يا حافظ

ييسط الرزق لمن يشاء ويقدّر... هـ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ

هـ

يا حافظ

هـ

هـ

باب چهاردهم

در تعویذات آمدن زنبورات شهید بر آوند خالی

برائے آمدان مگس شہد این تعویذ نوشته بالائی آوند مگس شہد کہ بافغانی آترا
گویند چپانید و بفضل خداوند قدوس زنبورات شہد بر آن خالی متکا بر آید انیسبت

یابدوح	۳۵۱۹	۳۳۵۹	۳۳۵۶	۳۵۹
یابدوح	۳	۳	۳	۳
یابدوح	۵۶۶۶۱	۵۱	۵۱۵	۵۶
یابدوح	۳۵۱۱	۳۵۱۲	۵۳۱۶۱۱	۳۵۱۲
یابدوح	۳۵۱۸	۳۵۱۳	۳۵۱۶	۳۵۶۲

نوع دیگر برائے آمدن زنبورات بر جائے دژ پچپاند زنبورات خواهد آمد

[illegible]

٤
باعتز ايل

برائے آمدن زنبورات شہدایں تعویذ نوشتہ بالا اے اوند گس چپا نید و بکم خدا پاک
زنبورات خواہند آید این تعویذ بروز جمعہ باید نوشت.

بسم الله الرحمن الرحيم

۸	۱	۶
۳	۵	۷
۴	۹	۲

بسم الله الرحمن الرحيم

نوع دیگر برائے آمدن زنبورات شہد خاصیت او نیز چون ماقبل است

بسم الله الرحمن الرحيم

یا روف	یا روف	یا روف	یا روف
یا روف	یا روف	یا روف	یا روف
یا روف	یا روف	یا روف	یا روف
یا روف	یا روف	یا روف	یا روف

واضحی الی ربک الی الزحل

باب پانزدہم

در تعویذات قرع کہ با فغانی آنرا خنجرے گویند

برائے قرعہ کہ با فغانی آنرا خنجرے گویند

یا الله	یا محمد	یا	یا الله	یا محمد
یا الله	یا محمد	یا	یا الله	یا محمد
یا الله	یا محمد	یا	یا الله	یا محمد
یا الله	یا محمد	یا	یا الله	یا محمد
یا الله	یا محمد	یا	یا الله	یا محمد

نوع دیگر برائے قرع این تعویذ بروز جمعہ بوقت آمدن آفتاب بخوید و قتی که قرعہ
اندازی میکند این تعویذ بر انگشت دست راست گرفته زود دہد این است

بسم الله الرحمن الرحيم

یا الله	یا محمد	یا الله	یا محمد
یا محمد	یا محمد	یا محمد	یا محمد
یا محمد	یا محمد	یا محمد	یا محمد
یا محمد	یا محمد	یا محمد	یا محمد

بسم الله الرحمن الرحيم

برائے قرعہ این آیات شریف ذیل نوشتہ را از یک جمعه تا جمعہ دیگر بعد از ہر نماز یک
صد بار بخواند پختہ شود باز قرعہ چشم و قرعہ اندازی ہر دو را کافی و کار آمد و آزمودہ شدہ است
از دست استادے وصول شدہ -

فَكشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ

باب ہفتم

در تعویذات اقبال و اجلال و فتح و نصرت و تغلبندی و
برای مهر آفت و هر حاجت و زیادت برکت و غیره

برای نصرت و فتح برون و جبهه که غسل کرده باشد بنویس بر باز دست راست بر بند و بر کجا که میز نشاند و خرم باشد

[illegible]

از برائے مرض خارش کہ بافتانی آثر پیم گویند

Handwritten musical notation on a four-line staff. The notation includes various symbols such as 'x', 'o', and 'a' with accents, and some numbers like '27' and '28'. The symbols are arranged in a grid-like pattern across the staff lines.

ملائے درو آن چیز کہ انسانی آزار دہ ہے
گوشت بزرگان پر بندو۔
۷۸۶

5	دودودو 	 دودو
5	9	 دودودو
5	 دودودو	 دودودو
5	 دودودو	 دودودو

راٹے درد دندان کہ درمیم شمعون اسے در سفیدی
سیم - میخ زرد درد دفع شود۔

يا شمعون

راستے مریض کو آرا باقناتی (منعنه) گویند کہ اکثر
بر بخوردان می آید این نوشته برگردان به بند و
زلفت این مرض در آمان و محفوظ باشد

684

[illegible]

از براتے دندان درد بر دندان گیرد

محمد ^٢ علي ^٤	محمد ^٢ علي ^٤
محمد ^٢ علي ^٤	محمد ^٢ علي ^٤

برائے یرقان کہ باغفانی آنرا (دیر سے) گوئید بہ
فیض فرشتہ بر گردن ہر بندہ۔
۷۸۶

یا قوی	یا قوی	یا قوی	یا قوی
یا قوی	یا قوی	یا قوی	یا قوی
یا قوی	یا قوی	یا قوی	یا قوی
یا قوی	یا قوی	یا قوی	یا قوی

راستی سوختن بول اگر چه خودد یا کلاس باشد
ولی بد بر گردن پنهان است

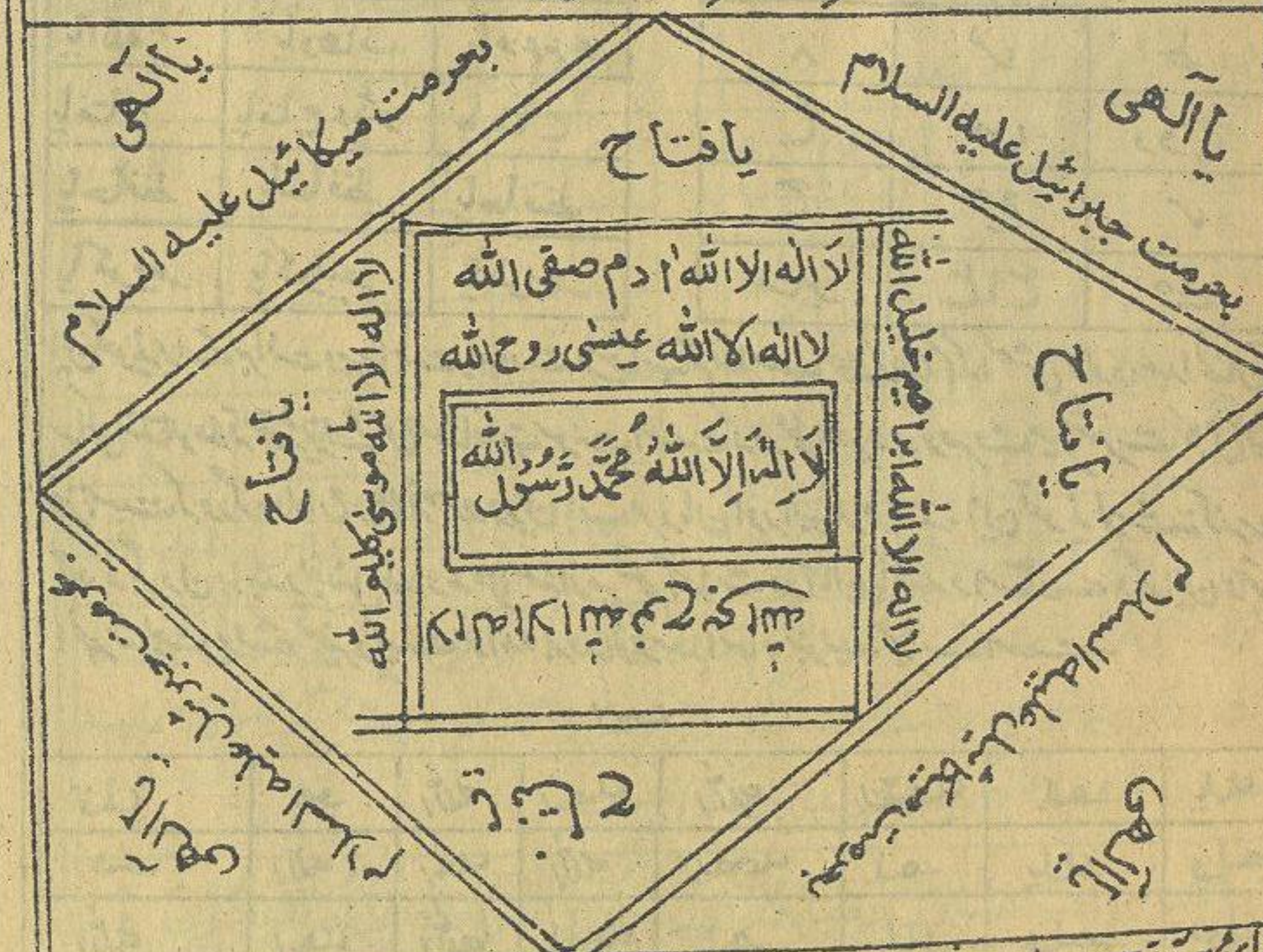
یا کیکیج ۲۰	یا کیکیج ۳۲
یا کیکیج ۱۹	یا کیکیج ۳۲

اسے ورد شکم بر شکم یہ بندو یعنی اسراض باطنی
 دفع کن بہ دوائی نمی شود این را نوشته بر شکم
 ستہ از آفت خلاصی یا بند این معنیست۔

LAY

احد	يا احد	يا احد	يا احد
صمد	يا صمد	يا صمد	يا صمد
كبر	يا اكبر	يا اكبر	يا اكبر
غفور	يا غفور	يا غفور	يا غفور
غفور	يا غفور	يا غفور	يا غفور
غفور	يا غفور	يا غفور	يا غفور

تعوید برای تعفندی است از فال صاحب مزیم خود شنیده بودم که او گفته بود که در وقت خطاب علی من
بمقام لیلونی نداده غور بند سکوت پذیر بودم با استاد صاحب من این مندرج ذیل تعوید تعفندی بود
که رادر شب جمع که آن شب عید الضعی بود نوشته کرده و برای آنکه آرایش بگردن من آن شب
نویسته و باز شمشیر آنرا زده و در ذبح اود متی الوسع کوشش کرده لیکن چیزی نقصان و زخمی نه شد
تعوید اندوه ثابت شد باز ازاں استاد تعوید موصوف را بحال خدمت و محبت و بچند دراهم و
کرم لبتہ المؤلف فیضان گوید که من نیز تعوید موصوف را از ابوی صاحب مرحوم با جازت گرفتم در حقا
نوشته شد نذر شافعتین این فن شد ترتیب اینکه هر قسم سلاح و تیغ در وقت لوشتن عامل نزد
خود دارند و غسل کرده باشد و شب جمع عید الضعی باشد.



برای سزاقت و بر باهت فخریه و هر حق باطنی و ظاهری بروز جمعه الباری که از خسته برگردن بریند در کمان و محفوفه
 ۶۴۲ باشد اینست

یابدوح ۱	۱	یابدوح ۷	۱۱	یابدوح ۸
یابدوح ۶	۲	یابدوح ۱۲	۱۳	یابدوح ۲
یابدوح ۵	۳	یابدوح ۱۵	۱۶	یابدوح ۶
یابدوح ۴	۴	یابدوح ۱۸	۱۹	یابدوح ۱۰

برائے فتحیابی و نصرت در وقت ساعت مشتری بروز جمعہ نوشتہ گیر دن یہ بند اگر رو بروئے
بادشاہ و حاکم رو دیا برائے کارے مشکل رو دشا و خرم واپس آید سرخ رو و با عزت آید تودید
مکرم و معظم انیسبت ۔

لا اله الا الله	يا اعلی يا فتاح	لا اله الا الله
يا فتاح يا حسين	بسم الله الرحمن الرحيم لا اله الا الله محمد رسول الله	يا فتاح يا حسن
يا بدوح	يا فتاح يا فاطمه	يا بدوح

باب ہشتر دہم
در بیان چل و مرض فصل !

تقریب ذیل نوشته برائے جل و مرض فصل چهار عدد بنویسد بر چهار گوشه فصل بجائے خشک نهاد
از هر قسم آفات محفوظ ماند تقریب این است۔ ۷۸۶

[illegible]

تعمید نوشته برائے نزالہ کوکم و ملخ و بل چار عدد نوشته یروز بقعة المبارک و در میان نے منہد و بالائے
اردکنم تر یادگر چیزے برائے استحکام نہادہ و بر چہار گوشہ زمین دفن کنند۔

اتقی	بحرمت	میلیغا	مکسلینا
نسلمینا	مرنوش	دبرنوش	شاه زنوش
مرطوس	اسلم	کلهه	قطر
ولو شاء الله	نهدی	کم	اجمعین
یا	سرب	العالمین	آمین

باب نوزدهم
در تعویذات و عملیات حب و محبت

برای حب ترتیب اینکه بعد از نماز عشاء این دانه سه عدد بخورید باز بر سر مطلوب خود سایه از جسم خود کرده
بعد این سه دانه را در چرخ بخور تا حب در میان پیدا خواهد گردید.

ایام	دل بسوز	دل بسوز	دل بسوز	بند بسوز	جگر بسوز	ایام
فلان بن فلان	دل بسوز	بند بسوز	جگر بسوز	دل بسوز	بند بسوز	فلان بن فلان
ایام	دل بسوز	جگر بسوز	دل بسوز	بند بسوز	جگر بسوز	ایام
فلان بن فلان	دل بسوز	بند بسوز	جگر بسوز	دل بسوز	بند بسوز	فلان بن فلان
ایام	دل بسوز	جگر بسوز	دل بسوز	بند بسوز	جگر بسوز	ایام
فلان بن فلان	دل بسوز	بند بسوز	جگر بسوز	دل بسوز	بند بسوز	فلان بن فلان

راستے محبت ترتیب اینکه در دقات چیزے خوشبو انداز خفته با سیاهی خلط نموده و در دهن خود نیز خنجرے
شیرین گرفته و این تعویذ را در ماه نو هدیه بدو بیکشنبه در ساعت بر آمدن آفتاب نوشته بر برگ درخت
خود ببندد یا محب خود رو برداشد محب بلبلا و عاشق گردد و در

[illegible]

اگر زنی را شوهر خوب بنا شد در وقت جنگ و جدل باشد این تعویذ نوشته و در آب شسته بر شوهر
خود افکند شوهرش خوب و نیکو گردد تعویذ این است -

بنيت فلانة					علي حب نلات
٢١	١٤	١٨	٣٣	٤	٨٨
يا الله	يا محمد	يا الله	يا محمد	يا الله	يا محمد
يا بدوح	يا بدوح	يا بدوح	يا بدوح	يا بدوح	يا محمد
يا محمد	فاطمة	حسن	حسين	علي	يا محمد
فلان	٨٤	٨١٣	١٣	٤	بن فلان

برائے حب و محبت تعویذ بخار و زحمہ بوقت آمدن آفتاب بساعت زہرہ نوشتہ گیر و ان بہ بند
محبت در میان واقع گردد تعویذ آزمودہ شدہ است این تعویذ از دست پدرم صاحب باجارت
وصول گزیدہ است این است .

[illegible]

برائے محبت بروز جمعہ شریفینہ نوشہ کر دہ ببر بازوئے راست خود بستہ اثر کامل و بدلہ ان تعویذ
عجیب و غریب از والد صاحب مرحوم وصول شدہ است۔

جبرائیل ع	یسوع مسیح	عیسی مسیح	میکائیل
ک	ک	ک	ک
ع	ع	ع	ع
ک	ک	ک	ک
ع	ع	ع	ع
ک	ک	ک	ک
ع	ع	ع	ع
ک	ک	ک	ک

ایضا برای حب بر ممد العاد که نوشته بوقت بر آمدن آفتاب نوشته کند و بر بازو راست خود به بند در

بسم الله الرحمن الرحيم	فهرس ۲ ۹۶	بسم الله الرحمن الرحيم
فلان	<div style="text-align: center;"> <p>یا محمد</p> <p>۹۶۸</p> <p>۲۶۲</p> <p>۱۲</p> <p>۸۱</p> </div>	بن فلان

فرا و اگر بر آتش محبت سر تعویذ نوشته یک بشربت شکره سائیده بمشوق بنوشانند و یک بر شجر شیرین به بند و یک بر بازو راست خود به بند و حب در میان عاشق و معشوق پیدا خواهد کرد و نقش این است

بسم الله الرحمن الرحيم	۳	۳	۵	۱	بسم الله الرحمن الرحيم
۹۴	۹		۸		۸
۲	۳		۳		۱۵
بن فلان	۷	۱۱	۱۱	۸	بن فلان

اگر ندانے را شوهر بد باشد و هر وقت در میان جنگ و جدل باشد و نزدیک شنبه این تعویذ را به حب عدد نوشته یک رازن کردن خود به بند و دیگر هر دو را در آب شسته بشوهر بنوشانند این تعویذ از دست قیله گاه صاحب مرحوم اعنی جناب مولانا عبد الرحمن صاحب مرحوم متوفی ۹۷۰ شهبان ۱۳۰۰ فی مقام لندی عالم گنج علاقه منور بزرگ ریاست سوات مدفن گشته نور الشمر مرقدہ باین خادم باجارت رسیده این است

بسم الله الرحمن الرحيم

فلان بن فلان

والله اعلم بالصواب

والله اعلم بالصواب

بسم الله الرحمن الرحيم

فلان بن فلان

والله اعلم بالصواب

برای محبت بر مشک و زعفران بر روز یکشنبه نوشته بر بازو راست به بند و اثر محبت در میان بر پیدا خواهد کرد و این تعویذ از استاد کامل باجارت رسیده این است

بسم الله الرحمن الرحيم	یا جبرائیل	یا میکائیل	والله المستعان	بسم الله الرحمن الرحيم
والله	یا جبرائیل	یا درویش	والله المستعان	تصفون
والله	یا جبرائیل	یا عزرائیل	والله المستعان	تصفون
فلان	یا جبرائیل	یا اسرافیل	والله المستعان	بن فلان

برای محبت ترتیب اینکه چادر سفید از خود بچیده و یک در دهن خود گرفته بر روز جمعه سه دانه قبل از نماز قرض و بعد از سنت نوشته یک را بر بازو راست به بند و یک در شجر شیرین و یک در آستان مطلوب نهاده باندک عرصه محبت در میان پیدا خواهد کرد و این تعویذ از قبله گاه صاحب مرحوم خود باجارت گرفته ام تعویذ این است

الحمد لله رب العالمین	رب	رب	رب	رب
الرحیم	ملاک یوم الدین	ایاک	نعبه	و
ایاک	نستعین	فلان بن فلان	هدنا	الصلوات
المستقیم	صلوات	الذین	انعمت	علیهم
غیر	المغضوب	علیهم	ولا	الضالین

برای محبت ترتیب اینکه تعویذ نه بار روز یا نشیبه در وقت پیشین بجای خالی بشک و زعفران نوشته و بگردن خود بسته محب بقرار گرفته بعاشق خود آشنائی و محبت از دل پیدا خواهد کرد و این تعویذ از دست یک عامل کوستانی از موضع پالس در کن

دریا سے اباسندہ علاقہ غیر بدست این خاکسار رسید: تعویذ مؤلف این است:

ନାମ ଶ୍ରୀନାମ

[illegible]

فلان بن فلان علی حب

دائے شب پر وز جمعہ مبارک بنویسد و بر بازوئے راست به بند و محبت در میان پیدا خواهد گردید
 و ان تعویذ از دست جناب علامه سرعالم و بزرگ کامل
 سکنه سیرتیکرام

فلان يقيم فلان

يا محمد	٥٤	يا الله	٣٩	يا محمد	٣٨	يا الله	١٤
يا محمد	٨٤	يا الله	٩٩	يا محمد	٤٨	يا الله	٨٦
يا محمد	٣٤	يا الله	٣٩	يا محمد	٣٨	يا الله	١٨٦
يا محمد	١١٤	يا الله	١١٩	يا محمد	٤٨	يا الله	٨٦

فلان بن فلان علی حسب

رائے محبت بردار پالشنبه در وقت چاست بر شک در زعفران بخوبی یک نمونه -

در آب جاری نهاده که در درخت شیرین به منده و دیا از سر سنگ گراں نهاده
فلانة بنت فلانة

فلانة بنت فلانة

الوردود	الوردود	المصل	الوردود	الوردود
الوردود	المصل	الوردود	الوردود	الوردود
المصل	الوردود	المصل	الوردود	الوردود
الوردود	الوردود	المصل	الوردود	المصل
الوردود	المصل	المصل	الوردود	الوردود

فلان بن فلانہ علی حب

برائے محبت ترتیب اینکد پیش از طلوع آفتاب بر فرزند یکشنبہ تعویذ ہذا نوشتہ کند و موئے
سر مطلوب در تعویذ ہذا بچیدہ لے در میان تعویذ بند کند باز تعویذ را در دندان گرفتہ بکلم
خداوند قدوس مطلوب مطیع و فرمانبردار خواہد گردید۔

॥ १५३ ॥

॥ श्रीगणेशाय नमः ॥

۱۲۹

المطبع	المطبع	المطبع	المطبع	المطبع
لحقه	لحقه	لحقه	لحقه	لحقه
المطبع	المطبع	المطبع	المطبع	المطبع
لحقه	لحقه	لحقه	لحقه	لحقه
المطبع	المطبع	المطبع	المطبع	المطبع
لحقه	لحقه	لحقه	لحقه	لحقه
المطبع	المطبع	المطبع	المطبع	المطبع
لحقه	لحقه	لحقه	لحقه	لحقه

برائے حب این تعریف را دو عدد دو شد یک در بازوی راست به چند و یک را در آب شربت یا در چائے شسته بچوب خرد و بنوشانند محبت و میان پیدا شود۔

يحبونهم	كحب الله	والذين آمنوا	أشد حبا لله
أشد حبا لله	والذين آمنوا	كحب الله	يحبونهم
كحب الله	يحبونهم	أشد حبا لله	والذين آمنوا
والذين آمنوا	أشد حبا لله	يحبونهم	كحب الله
قال فلان علي			فلان بن فلان

عمل برائے محبت بروز جمعہ وقت آمدن آفتاب نوشته بر بازوی راست به بند و یا بگردن
به بند و یا بر دندان گرفته کند این تعویذ از مولانا بهرام پشی استاد صاحب باجارت رسیه
باربر و بده آموزه ساه است.

کعبه	یا ایا الہی بجزمت عشق زلیخا علی یوسف علیہ السلام	یا ایا الہی بجزمت عشق زلیخا علی یوسف علیہ السلام	یا ایا الہی بجزمت عشق زلیخا علی یوسف علیہ السلام	یا ایا الہی بجزمت عشق زلیخا علی یوسف علیہ السلام
کعبه	یا ایا الہی بجزمت عشق زلیخا علی یوسف علیہ السلام	یا ایا الہی بجزمت عشق زلیخا علی یوسف علیہ السلام	یا ایا الہی بجزمت عشق زلیخا علی یوسف علیہ السلام	یا ایا الہی بجزمت عشق زلیخا علی یوسف علیہ السلام
کعبه	یا ایا الہی بجزمت عشق زلیخا علی یوسف علیہ السلام	یا ایا الہی بجزمت عشق زلیخا علی یوسف علیہ السلام	یا ایا الہی بجزمت عشق زلیخا علی یوسف علیہ السلام	یا ایا الہی بجزمت عشق زلیخا علی یوسف علیہ السلام
کعبه	یا ایا الہی بجزمت عشق زلیخا علی یوسف علیہ السلام	یا ایا الہی بجزمت عشق زلیخا علی یوسف علیہ السلام	یا ایا الہی بجزمت عشق زلیخا علی یوسف علیہ السلام	یا ایا الہی بجزمت عشق زلیخا علی یوسف علیہ السلام
کعبه	یا ایا الہی بجزمت عشق زلیخا علی یوسف علیہ السلام	یا ایا الہی بجزمت عشق زلیخا علی یوسف علیہ السلام	یا ایا الہی بجزمت عشق زلیخا علی یوسف علیہ السلام	یا ایا الہی بجزمت عشق زلیخا علی یوسف علیہ السلام

برائے جب بروز جمعہ نوشته حالیکه حامل ہر الوقت نوشتن جائز سرج پوشد بعد از آن تعویذ
بنویسد بگردن یا بدست به بند و این است.

یاوردود	یاوردود	یاوردود	یاوردود	یاوردود
یاوردود	یاوردود	یاوردود	یاوردود	یاوردود
یاوردود	یاوردود	یاوردود	یاوردود	یاوردود
یاوردود	یاوردود	یاوردود	یاوردود	یاوردود
یاوردود	یاوردود	یاوردود	یاوردود	یاوردود

تعویذ برائے محبت ترتیب این است کہ این تعویذ فریل نقش شدہ پنج عدد بروز جمعہ بنویسد در سبقت
زبرہ آن ہمہ را در آب بیندازد بعدہ عامل پنج روز دود و رکعت نقل کند در اول رکعت یکبار
فاتحہ و یک بار سورہ اخلاص و یا زده بار این آیت شریفہ بخواند **نَحْمَدُكَ اللَّهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ**
حُبًّا لِلَّهِ بخواند و دو رکعت دوم یکبار فاتحہ یکبار سورہ اخلاص و دہ بار آیت شریفہ
مذکور بخواند و این آیت شریفہ مذکور ہر بار بعد از فارغ شدن دو گانہ یکم مشنادر بخواند یا پنج
روز دو گانہ باین ترتیب کند ہر گاہ کہ پنج روز ختم شود باین تعویذ دو عدد بنویسد.

اگر خواہد کہ کسی را در عشق ویران سازد این اسم اعظم را بر جری جامہ بنویسد و دیوارے از محبت
باشد بر آن دیوار و فی کند مشوق بہ قرار گردد و محبت یا تو پیدا کند این است.

یا ناہیرو ذابطش الشدید انت الذی لا یطاق استقامہ یا فاہر و طو
اگر خواہد کہ کسی عاشق خود گردانے خاک چہار راہ بیارد در وقت بر آمدن آفتاب بر در بکشد بوقت
بار بر آن خاک این آیت شریفہ بخواند و باز بر آن خاک آنکس را برین بر تو عاشق و بیاد گردد.
بسم الله الرحمن الرحيم یا ایہا الناس قد جاءکم من ربکم انزلنا الیکم نور
حمینا تغزیل الحکیم.

نوع دیگر برائے مسر کردن این نقش فریل نوشته را بیک روز عقیقہ یا خود کند و یا بانی عاشق
رقی اشد تعالی عنہ ابن عزیمت بخورد و شش روز در سل علیہ السلام بسوئے دلیل داشت این است.

بحرمت محمد رسول محمد مصطفیٰ علیہ السلام و بحرمت عیسیٰ روح الله و بحرمت ابراہیم
خلیل الله و بحرمت موسیٰ کلیم الله و بحرمت جبرائیل و بحرمت میکائیل و بحرمت
اسرافیل و بحرمت عزرائیل ال طہ یس و بحق چہار دہ ہزار پیغمبران صلوة الله
علیہم اجمعین یا سر فلاں بن فلاں.

نوع دیگر خاک پائے خود خاک پائے مطلوب بیاید و بروز یکشنبہ آیت شریفہ فریل نوشته دم کند و ہامہ
بیتہ کند بر پائے راست خود نہد مطلوب بہ آرام و بہ قرار گردد.

بسم الله الرحمن الرحيم و هو الذی خلق السمو و الارض فی ستة ايام.

برائے محبت این فریاد نوشته در شربت در چائے یا شراب یا آب بنویسد و شربت شوریدہ شود.
بسم الله الرحمن الرحيم یا سید یا سید یا سید یا الله یا الله یا الله اللهم اجعلہ مودۃ بین
فلاں بن فلاں و فلاں بن فلاں و بنت فلاں کہ این آدم و حوا و بنی ابراہیم و سائے ر و
کسا باین یوسف و زلیخا و کسا باین محمد صلی الله علیہ وسلم و بنی بی عائشہ رضی الله تعالی
عنہا و کسا باین علی و فاطمہ الزہراء و بحق محبوبم کتب الله و الذین آمنوا اشد حبا
لله و بحق الرحمن علم القرآن و بحق بیست و نہ حرف و بحق اسم اعظم یا حی
یا قیوم و بحق یا ارحم الراحمین یا سر فلاں بن فلاں.

برائے حب ابن لقیس ہفتہ شنبہ بوقت نماز ہو گیا دیر و زمان کہند مشرقی حاضر گمراہ است۔
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ بِحَقِّ أَبِي بَكْرٍ وَبِحَقِّ عُمَرُ وَبِحَقِّ عُثْمَانُ
 وَبِحَقِّ عَفَّانُ وَبِحَقِّ عَلِيٍّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ فَلَانَ يَا بَنِي عَبْدِ مَنَافٍ حَبِّ فَلَانَ بَنِي فَلَانَ .

تقوید یادی بروز چهارشنبه بوقت نماز ظهر سه بار در این کتب				تقوید خانی بروز بعد بوقت چاشت زشتی بجا کن کتب			
ص ۵ ع	ک ج	ن غ	ن د	یا علی	یا حسین	یا حسین	یا فاطمه
ح ق ر	س ع	ص لا	ش ن	یا سلام	یا مومن	یا عمر بن	یا اقدس
ه ع	لا ۱۱	ک ه	ن کا	یا الله	یا رحمان	یا رحیم	یا کریم
ع ۴	ع ۲	۱۱۲۶۴	ن و ه	یا غفور	یا بصیر	یا خیر	یا سمیع
ج ل م	د خ	ه ۵	ع ه	یا محمد	یا حبیب	یا نبی	یا رسول
تقوید آشتی بروز دوشنبه بوقت عصر زشتی در این کتب				تقوید آبی بروز سه شنبه بوقت عصر زشتی در این کتب			
ح ۱	ع ۲	ن ۳	ص ۴	ع ۴	ع ۳	ع ۴	ع ۴
ج ۵	ط ۶	ک ۷	ن ۸	ن ۴	ع ۴	ع ۴	ع ۴
لا و ه	لا و ه	ن و ه	ع و ه	ن و ه	ع و ه	ع و ه	ع و ه
ع ۴	ع ۴	ع ۴	ع ۴	ع ۴	ع ۴	ع ۴	ع ۴
ک ش	ن و	اب ن	ع ۴	ع ۴	ع ۴	ع ۴	ع ۴

تعمیر برائے محبت و عشق فزوان نوشته کنیز بازوئے است بسته یا گیرن به بند محبت در میان پیدا خواهد کرد و تعمیر
زود آموزد و است این است -

15	2	4	10
2	11	14	2
6	15	9	4
12	1	7	12

برائے صبر و ترتیب ایک ہفتہ کی فتنہ بوقت برآمد آفتاب تصویر بندان لکھنؤ عفرات لکھنؤ برگردان بہ بند و چندیا بہ تجربہ رسیدہ است اندوشت استلا کامل وصول گردیدہ این است۔ (یقیناً، سوات)

[illegible]

برائے محبت باید کہ در وقت آمدن آفتاب بنام او دعا روا دو نام خود و مادر خود و پیشک و عطران
و علاب و سیاہی بر سخال آب ناریسید و بنویسد و در میان دیگران و لون کند از اشعاع
مطلوب بے قسرا آید

b b y ^ ^ III II PZ ^ ^ = II H^ II Z

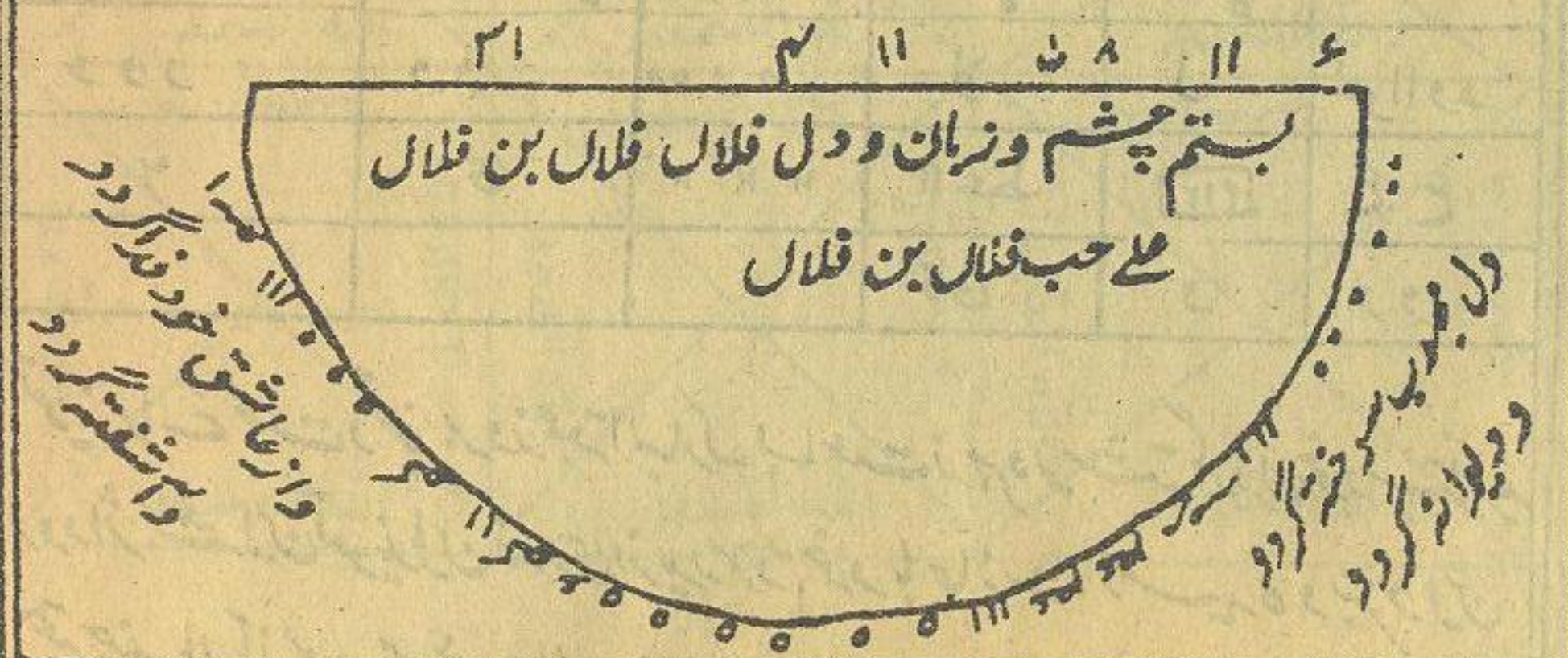
يا سائيل يا سائيل يا دردايل معجب قلب نلان بن نلان متي
 گردد اند يا بدوح العمل العمل الساعة الساعة
 الوحا الوحا الوحا

برائے حب این دائرہ نوشتہ درجہ شمس سجدہ کردن و من کند ہر جا کہ معشوق بندہ حاضر
خواہد کرد و از عاشق خود فدا شود تعویذ این است .

၁၂၃၄၅၆၇၈၉၁၀၁၁၂၁၃၁၄၁၅၁၆၁၇၁၈၁၉၂၀

۷۰	ع	۱۱	۱۴	۱۳	۲۵	۱۰	۱۶
۱۰۰۰	خ	۷	۱۸۱	۲	۵	۶	۱۸
۱۰	ی	۹	ح	۱۵	۹	۴	۸
۴	د	۱۲	ن	۹	لحر	۱۶	۱
۱۰	ی	۱ح	ر	۲۰	۲۰	۱۸	۸
۵۰	ن	۱۸	۹ بنهر	۱۴	۳	۷	۱۰

ربنا من انظرت لك ما في بطن محرراً فقد صدقنا انك مهيمن عليه ط
برای من بوقت ششم داشت بروز چهارشنبه بنویسد یا بوقت مغرب نوشته کند پلیتیه کند در چرخ
بسور دو بوقت سوختن پلیتیه یعنی روئے باقی بکباب خان محبوب کند مطلوب به قسار
خوابد آمد پلیتیه و باقی این است



ہمائے محبت اگر خفا ہے کہ کسے راحب خود گروانے یا دشمنان دوستان گردانے این تعویذ در روز تریلی
 شنبہ یا جمعہ در ساعت اول کہ آفتاب طلوع شدہ باشد در ساعت زہرہ یا مشتری ہو لید و
 بہ تنفی دفن کند محبوب مطیع و فرمان بردار شود تعویذ این است :-

12	12	3	1	7	6	31
8	8	12		12		1
5	20	5	1	7	12	12
2	2	1	9	21	3	14

فلا... بن فلا... بن قيس فلا... بن فلان

نوع دیگر برائے جدائی این نمونہ در وقت مزج بنویسد و آتش دہکے سوخته شود باز خاکستر آن با سرہ خلط
کند یکے ازیشال را بند بد هرگاه کہ در چشم کشد و نظر بیکدگر کند دلشان از یکدگر سیر گردد و یکدگر را در
نظر خویش نہ نمایند این است -

فلان بن فلان على بعض فلان بن فلان

ایضاً برائے تفریق دو کسان این غزلیت بالورشته در خانه یکے از ایشان دفن کند فلحال در میان
شان جدائی و نفاق افتد این است -

ی ی ی ی بغض فلان بن فلانته ی ی ی
ع ع ع ع ع ع ع علی بغض فلان بن فلانته م م م م م م

نوع دیگر این تعویذ این تعویذ در شب سه شنبه بر وقت نماز خفتن نوشته در زبان غلوه کند و سنگ سیاه را بخواند
جدا می واقع گردد.

فلان بن	٥	جیر	فلان
فلان	٥	علہ	بن
لؤلؤ	٥	علہ	فلان
لؤلؤ	٥	علہ	فلان

نسخ دیگر برائے عداوت این عزلیست آئنده را بر پارچه مکر باس نوشته پسته کند و در حراغ سوزد و در
عداوت در میان شان واقع گردد.

فلان بن فلان علی بعض من فلان

نوع دیگر برائے عداوت این عزیمت نهمشت هفت و باغزیش راسخه بریکے از طالب فسطوی
سایه کرده باز آن هفت تعویذ را بر مر سگ سیاه اندازد جدائی واقع گردد۔

(قطع { قطع { قطع)

این طلسم را بر روز چهارشنبه در وقت مزاج نوشته در خانه یکی از ایسان دفن کند جدائی واقع گردد.

والا لم اكره ان اكون في دولي اكرام وده انا انا ورا

فلان بن فلان علی بعض فلان بن فلان

این عزیمت را بدو از مشایخ گذشته در مسجد دفن کنند جدائی واقع شود.

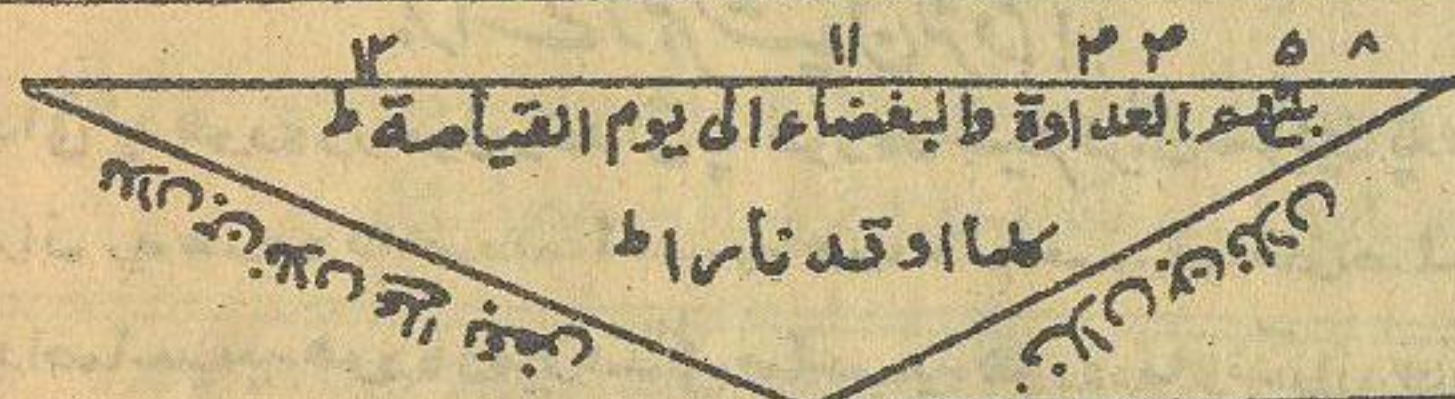
6 EE 11 816 III.

فزع و گراين عزليت نوشته درميان تعويذ مومنه سگ و گربه تراشيده هماره و در وقت چيچيدن
تعويذ اين اسم بمويدا آبي دشمن گردان و تعويذ را بنمانه ايشان و فن کند -

فرعون. عمرو. شداد. هامان. ایلدیس.

فلاں بن فلاں علی البغض فلاں بن فایاں

در این فرقت و جدائی ترتیب اینکه بر در یکشنبه بوقت غروب شمس این تعمید بر سنگ سنده
نوشته دور آتش دفن کنند جدائی در میان واقع گردد و -



E F ^ 10 F 11 59

برائے جدائی و دواول ساعت زحل زمرستہ درخانہ کے ازالہ ایشال و فتن کند۔

۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
۱۲	۱۲	۱۲	۱۲
۱۳	۱۳	۱۳	۱۳

نوع دیگر بر آنست که جماعتی بساعت بخیرگی نوشته بجزرستان دهن کنند این است.

	تطهر	تطهر	تطهر	تطهر
	فلان بن فلان بعضه	على فلان بن فلانا	تطهر	تطهر
	فلا فله فلا فله	(بعضه) فلا فله	تطهر	تطهر
	تطهر	تطهر	تطهر	تطهر
	تطهر	تطهر	تطهر	تطهر

نور و آگ بر دزد و دشمنی نوشته در گور کس دلین کند جدائی و آتج گردد -

بن قلاب	بينهم العداوة	بن قلاب	بينهم العداوة
بن قلاب	بينهم العداوة	بن قلاب	بينهم العداوة

باب بیست و دوم

در ذکر درہم جات و نتر ماران و غیرہ

درہم برائے مار گزیدہ

پہ درہم دخدائی پہ درہم در رسول دخدائی پہ درہم دجمع قرآن شریف پہ درہم دحضرت
سلمان پیغمبر پہ درہم دخلو و دار دیار انوپہ درہم داخون قاسم پہ درہم دا
خون ملک پہ درہم دیکوت در میان کانوچہ ہدہ داردے ذلر مودما رانود
لیوسپو نو وچو را کلمہا چھو نکو کہ داسرے آزادشہ خون دبیتکوت دصیان کانوا بغالوہ

برائے زہر کشیدن کثروم !!

پہ حکم دخدائی پہ ہودہ در رسول دخدائی پہ ہودہ دجمع قرآن شریف پہ ہودہ دخلو
و دار دیار انوپہ ہودہ داخون قاسم پہ ہودہ داخون ملک پہ ہودہ
داخون مرد صاحب پہ ہودہ دمیر عبدالحی صاحب پہ ہودہ دمیر بدرازدین صاحب پہ
ہودہ دہفہ کسانوچہ اجازہ را کرے دہ کہ داسرے مرشہ آخون ئے دھو پینادے

درہم برائے کرہائے دندان و ترے و زردی

پہ درہم دخدائی پہ درہم در رسول دخدائی پہ درہم دقرآن شریف پہ درہم دخلو و دار دیار
انوپہ درہم دپنجہ وار دیار انوپہ درہم دصیان سید جلال بخاری باباچہ دے ہودہ داردے
دغا بنو نو دچو دتوری و زیری پہ حکم دخدائی پہ اذن و استاد دفر شئی پہ تلوار

نوع دیگر این درہم از فرزند جناب چہرئی بابا صاحب مرحوم از محترم معین الدین بابا صاحب
بہر گل اخوند زاد صاحب سکنہ جالندہ سوات کوہستان باجارت رسیدہ داردکن اجازت بصر کر
بسم اللہ الرحمن الرحیم درہم دخدائی درہم در رسول دخدائی درہم دقرآن مجید درہم دخلو و دار
یارانودہم دلوی پیر دستگیر پہ درہم دخدائی پہ درہم دحضرت یوسف علیہ السلام چہ دہم د

دحضرت یعقوب علیہ السلام دہمیشہ دخدائے حب دہمیشہ عاشق تحمل مجبور
وپہ درہم ددخدائی دخدائی پہ درہم دصیان شیر علی باباچہ دے ہودہ دار شری و
دمصر پہ بنار کین مکی مسجد کنین و اتلس زرہ تامہ پہ محکین دبلاد و جفاریہ یا کر و
دچی در بختی دکاشے دکوتے و غنداری دتوپکی دتوپکا نری دطبق دبند دنظر دکنگازہ
دخ دچلندہ رخ دھر رخ دسکودنکی دبادی سنکی دتوے دالے و پچولے دجانگوچہ دجل
دکلی دتو دجانگو دیکے یگانود سرے دشنے دسرے مخے دکرمانا نو دمارا نو دپیرنویا
و دیوانو دمرغانو دھر رخ ہودہ داردے داہودہ کرم پہ حکم دخدائی پہ اذن
دغوث دپیرانوسرہ پہ درہم دخدائی پہ درہم دشیخ عبدالقادر جیلانی زبانی میرانی فریاد

درہم برائے گریہ خوردان

پہ حکم دخدائی پہ اذن و استاذ پہ درہم دخدائی پہ درہم در رسول دخدائی پہ درہم دقرآن
مجید پہ درہم دخلو و دار دیار انوپہ درہم دعلل شہبازا جیر قلند ربغدار صاحب سلسل
اولیاء پہ درہم دلوی پیر دستگیر پہ درہم دتور باباچہ درہم دشمس تبریز بابا
پہ درہم دپیریان باباچہ حکم دخدائی پہ اذن دپیر استاذ

درہم برائے برائے برائے یکہ نامہ رسدہ پار افلاس و دہم دار درو شریف با او تم کند

پہ درہم دخدائی پہ درہم در رسول دخدائی پہ درہم دجمع قرآن شریف پہ درہم
دلوی پیر دستگیر پہ درہم دبغدار دپیر صاحب پہ حکم دخدائی پہ اذن
دپیر استاد صاحب ..

نوع دیگر

پہ درہم دخدائی پہ درہم در رسول دخدائی پہ درہم دقرآن مجید پہ درہم دخلو
و دار دیار انوپہ درہم دسید جلال بخاری صاحب پہ درہم دپیریان بابا صاحب
دسرکے دسرت دشنے دانی دبنی دلفظ دھر دانے دتو دے دانے وزیرے دانے دزرغونے
دانے ادخوراکی نوکی ہدہ داردے دامریض ہہ کوم پہ حکم دخدائی پہ اذن دپیر
باشن بابا سرہ دامریض ددے مرض نہ کہ حشہ قول و بال ئے دپیر باشن

خیلو پہ غارہ دے یا خدایہ یا خدایہ یا رسولہ یا رسولہ یا پیرا استاد

نوع دیگر

پہ درہہ دخدائی پہ درہہ در رسول دخدائی پہ درہہ دخوازازی سرور مصر پہ درہہ
دلوی پیر دستگیر پہ درہہ دخلور دار و یار انوپہ درہہ داقراآن مجید پہ برکت
دحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نوٹکی خولہ دبا سہ پہ حکم دخدائی

نوع دیگر

پہ درہہ دخدائی پہ درہہ در رسول دخدائی دخدائی پہ درہہ دجمع قرآن شریف
پہ درہہ دخلور دار و یار انوپہ درہہ وسید آدم بتوری صاحب چہ ہودہ دار
دنگوا و جانگرے کہ دے ننگوا دجانگرے نہ دامریض مرشد خون نے وسید
آدم بنوری صاحب پہ غارہ دے چہ کورٹے پہ مصر کین دے

نوع دیگر

پہ درہہ دخدائی پہ درہہ در رسول دخدائی پہ درہہ دجمع قرآن شریف پہ درہہ
دخلور دار و یار انوپہ درہہ دپی پیر انوصا حیانوپہ درہہ نور محمد انگریزی چہ
ہودہ دار و ننگوا دنگوا دوری دزبہ پہ غوگو دوری پہ بے ٹخای کین خور دے او نہ کری

درہہ برائے امراض فضل ریگ دم کردہ در فضل بیفتا نہ مخز ماند

پہ درہہ دخدائی پہ درہہ در رسول دخدائی پہ درہہ دجمع قرآن شریف پہ درہہ
دخلور دار و یار انوپہ درہہ دپی پیر انوپہ درہہ دپی پیر انوپہ درہہ دپی پیر انوپہ
بابا صاحب چہ دہ ہودہ دار دے دمرضو نو دفضل کہ دافصل دے فلا نکی نقصا
شہ دضرہ دمنکو چہ نوم نے یکہ منگک دے یا شکو نرہ دے دھر قسم مرض
دضمان میان سید جلال بخاری بابادی

درہہ نوع دیگر

بسم الله الرحمن الرحيم سلام قولا من الرب الرحيم وحمد الارسل قد خلت من قبل
الرسول پہ درہہ دخدائی پہ درہہ در رسول علیہ السلام دخدائی پہ درہہ د
قرآن مجید پہ درہہ دخلور دار و یار انوپہ درہہ دپی پیر انوپہ درہہ دپی پیر انوپہ

پیر دستگیر پسادن دمیان لسوب بابا چہ ہودہ دار دے دجورد دچبر کہ داجار بابا
نہ دے نہ مرشد خون نے دمیان لسوب بابا پہ غارہ دے

درہہ گزندہ سگ دیوانہ

پہ درہہ دخدائی پہ درہہ در رسول دخدائی پہ درہہ دجمع قرآن شریف پہ
درہہ دلوی پیر دستگیر پہ درہہ دخلور دار و یار انوپہ درہہ دمیان پیر پیر
بابا چہ دے ہودہ دار دے دلیو نو سپودا سرے پہ ہودہ کوم پہ دے ہودہ
سو کہ داسوے مرشد خون نے دمیان پیر بد لے بابا پہ غارہ دے دالبلیات
ہوینا دفع شئی پہ حکم دخدائی پہ اذن داستاذ صاحب

درہہ برائے گرفتار ماران

پہ درہہ دخدائی پہ درہہ در رسول دخدائی پہ درہہ دجمع قرآن شریف
پہ درہہ دخلور دار و یار انوپہ درہہ دپی پیر استاذ پہ درہہ داخون رحمت
صاحب دبتیکوت پہ درہہ دخواجہ زازی مصر در صاحب دہفہ خواجہ
زنی مصر در صاحب چہ دمرضاہ دشاہ وچہ دلرمود مارا نو دلند و ہودہ
دار دے دامار نیسم کہ نے دچیچو خون ہم دخواجہ زنی مصر در صاحب یغارہ دے

نوع دیگر برائے گرفتار ماران خروج زہر

درہہ دخدائی درہہ در رسول دخدائی درہہ دمقدم صاحب دکشمیر چہ
دمارا نو دلرمو ہودہ دار دے دامار نیسم پہ حکم دخدائی سرہ پہ دے
ہودہ سرہ کہے او نورم مرشوم خون م دمقدم صاحب یغارہ دے یاد
از ہو با سم پہ حکم دخدائی سوہ پہ دہ ہودہ سر کہ لہ دے زہر دے مرشد خون
نے ددہ یغارہ دے بحرمت یا شافی یا کاتی یا معافی

نوع دیگر برائے خروج زہر

درہہ دخدائی درہہ در رسول دخدائی درہہ دجہتر سلیمان پیغمبر درہہ د
قرآن مجید درہہ دخلور دار و یار انوپہ درہہ دپی پیر دستگیر درہہ دتور بابا

چہ ہودہ داردے دتور و مارانو دمار خورے ہودہ کرم پہ حکم دخدائے سرہ پیشہ
ہودہ سرہ کہ دمار خورے لہ دے مارہ مرشہ خون شے دتور بابا پہ غارہ دے۔

نوح دکر برائے خروج زہر مارگزیدہ

درہ دخدائی درہ در رسول دخدائی درہ و قرآن مجید درہ دخلور وار وار
دیارا نو درہ و پیچہ واریہ پیرانو درہ دکھن دصاحبانو دلو یو دور و دھلکا نو چہ
دلیر مانا نو اومارانو دسرودش نو دزرغ نو دھراشیا چھتکو ہودہ داری کہ دامان
خور لے سرے یاد امار چھیلے شاد دے مرشہ خون لے دودی یغارہ دے۔

برائے خروج زہر ماران

بسم الله الرحمن الرحيم وَاللهُ الْوَاحِدُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ بِسْمِ اللَّهِ
قَصِيرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ السُّتَعَانُ وَعَلَى مَا تَصِفُونَ تَأَلَّوْا بِحَبِّ پیری منتر مار بیست
کدوہ یا لوح قلم کدوہ یا عرش و کرسی کدوہ یا زمین و زمان کدوہ یا پیر استاد
کدوہ یا خواجہ شیخ عبد القادر جیلانی مدد کن بجیشتی خبر دات باش سلام علی
نوح فی العالمین انا کذلک نجزی المحسنین

بمائے زیر کردن زہر ماران و کتر دان

اول پہ ہودہ دخدائی دوئم پہ ہودہ در رسول دخدائی دوئم پہ ہودہ دپیرانو پیر
خلودم پہ ہودہ دخلور وار و یارانو پچم پہ ہودہ دبتیکوت و صاحب شپکم
پہ ہودہ او دلا صاحبزادہ صاحب چہ مار لرم خورے وی دے شے ذمہ واری۔

برائے خروج کردن زہر

درہ دخدائی درہ در رسول دخدائی درہ و قرآن مجید درہ دشارد و دیارانو
درہ دشیخ احمد درہ دشیخ موسیٰ درہ دشیخ ابراہیم درہ دبتیکوت
دابی صاحب چہ دپیرانو دیوانہ دمارانو الرمود لو یو دور و دتو لو ہودہ
داردے دمار خورے ہودہ کرم بہ حکم دخدائے پہ دے ہودہ سرہ کہ دے مرشہ
خون شے ابی صاحب یغارہ دے۔

برائے گرفتن ماران

درہ دخدائی درہ در رسول دخدائی درہ دمیان شاہ جی صاحبزادہ صاحب د
دذیر آباد دلر مود مارانو ہودہ داردے دمار تسم پہ حکم دخدائی سوہ پہ
اذن ددوئی سرہ کہ شے و چچلم مرشوم خون م ددوی یغارہ دے

برائے سوختن زہر مارگزیدہ

بسم الله الرحمن الرحيم تِلْكَ مَكْرِي الْأَمْكِرِي بِلَا مَكْرِي أَوْ تِلْكَ لِي كُنْ كُشْتَن
جَمْلِي جَوْلَانِي كَلْمَا يَكُونُ عَلَى مَا يَأْنِ تَيْنَ مَا يَتَيْنَ عَلَى زَمْرَمِ لِي بِأَمْكِرِي مَكْرِي سِيرَ مَكْرِي
كُلْ كَبْرِي عَرَبِي دُونِي سِيرَ كَرِي عَرَبِي أَفْسُونُ كَيْمِ يَدَمِ دَرِي بِأَذْنِ رَسُولِ خَدَائِي
مَارُو كَجْدَمِ وَغَنْدَلُ وَابَّالْهُوتِ كِي مَكْرِي بَسْمُ تُوْدُو زَمْرُ كَرُوْدَ مَارُ خَدَائِي وَ
جَزِيدَةَ بِحُكْمِ خَدَائِي بِأَذْنِ مَسْتِ نَفِيرِ سَرُ تُوْرُ شَاهِ جِي صَاحِبِ بِأَذْنِ هَنَكَايِ كُوْتَرُ
بَهُودَةَ پیرِ اَسْتَاذِ بَاشِ اے مَوْزِي اِذْنِ خُوْدُو دُونِ دَرَفْتَنِ نَدَارِ اے عُقْنَةَ دَنِيْلِ
عُقْرَبِ زَنْبِيلِ بَحِي لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بَسْمُ نَيْشِ عُقْرَبِ وَزَهْرِ عُقْرَبِ بَادِي خَاكِ
آقَشِي اے زَنْبُوْرِ نَيْشِ تَرَا بَسْمُ بَهُودَةَ مِيرِ خَلِيلِ صَاحِبِ۔

ایضاً برائے خروج زہر

درہ دخدائے درہ در رسول دخدائی درہ دخلور وار دیارانو درہ
وجملہ و خانوادہ و درہ دپیرا ستاد درہ دآخون موسیٰ صاحب درہ
دآخون رحمت صاحب دبتیکوت چہ دلر مود مارانو ہودہ داردے کہ لہ دودی
نہ شوک نقصان شہ خون شے دآخون رحمت صاحب یغارہ دے۔

برائے تاباع کردن کتر دم

ترتیب اینکه در شب جمعہ غسل کردہ و از اربستہ دخطوط گرداگرد خود کشیدہ ایک بار سورۃ یاسین بخواند
اول دآخر دد خواندہ بعد از ان ہزار بار این آیۃ شریفیت بخواند تا شب جمعہ دیکر نیمتہ شود۔

برائے دفع زہر ماران ہر قسم

بسم الله الرحمن الرحيم اول درہ دخدائے پس درہ در رسول دخدائی پس درہ

دامام حسینؑ پس درہہ دامام حسینؑ پس درہہ دقرآن مجید پس درہہ دشوہ
السواما نو پس درہہ دپیر لعل شاہ باز پس درہہ دپیر عبد القادر جیلانیؒ پس
درہہ د شیخ شکر گنج نرہ وای درد نرہ وائے رخ پس درہہ دامام خوازاوی مصری
والاد الارے جانہ دی کہ دمارانود لرماتود مچود ہر قسم مضرا تود خوے نہ شہ خون
زاوال او شہ داخون زوال رد خوازاری امام مصری والہ پغارہ وی۔

برائے گرفتن ماران و گثر ومان !

بحکم خدا بحکم رسول بحکم توریت بحکم انجیل بحکم زبور بحکم قرآن پہ برکت دلوی خوان
پہ درہہ داخون رحمت بابا پہ درہہ دحبیب مچین خیل فقیر چہ داؤیا و زرو مارانوا ولد مانا
اودہہ و خزند وھے ہودہ دارھے ددیا دومتو نیک پاکنک بجین سلام قولام رب
الرحیم پہ درہہ دحبیب مچین خیل فقیر

نوع دیگر برائے گرفتن ماران ہر قسم

پیری پیرانکہ پیری پیر کری مریر چھٹ کاوہین مارموشا ماریشا مار کلانہ نجیر چھہ
چھہ ساژدہا مارخا مارخا مادیں مار لعل پکہ مار لعلوسہ مار کچمار کچمین مار چچار
چچمین مارتیر مارتیر سینے مارخاک مارخاکین مار بار مار بادین مار خود مار خود
یا مار مادی بادشاہی مار ماری وزیری مار اکثر مار زندہ سد مار تند آسمانی بحکم اللہ
مار پہ دین محمد رسول اللہ مار پہ امر قرآن کتاب آسمانی حئے عرش کرسی لوس چہار کوت
خلور مسلمانان پہ دوا دھنہ اولیا وچہ ومارانود لرمو ہودہ داروی۔

متر برائے گرفتن ماران

ہو چند مار بر چند مار نیلہ مار تود زیر مارخا مار ہو مار پہ دم دحضرت
سلیمانؑ پیغمبرؑ۔

برائے خروج زہر ماران !

زہر دی حضرت می الدین پیر غوث جی قطب الدین چہا ریا محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وسلم
اللہ اکبر اللہ اکبر اللہ اکبر یا اللہ خیر یا اللہ خیر یا اللہ خیر بحق لا الہ الا اللہ محمد
رسول اللہؐ

در سنہ برائے گرفتن ماران

پہ درہہ دخدائی پہ درہہ در رسول دخدائی پہ درہہ وجمیع قرآن مجید پہ درہہ
دخلور دار و یارانو پہ درہہ دلوی پیر و سنگیر پہ درہہ دپیر استاذ پہ درہہ دخواجہ
زادی ساروان چہ دلو یود و درہر قسم مارانولر مانو ہودہ دارھے زہ ورحمہ دغہ مار
لہ لاس ترغارہ زہ نادیم لہ دغہ مارہ ٹخا خون دخواجہ زادی ساروان پغارہ دے۔

نوع دیگر برائے دفع کردن زہر

خدایا کاہد رسول کاہد جمیع قرآن مجید کاہد چہا ریا رانوکا ہد میان فقراء
کا درہہ علی شہر استاذ کا پہ اذن ذاستاذ و دفع شئی زہر و۔

برائے گرفتن ماران و گثر ومان

اُرنبہ ہو باش بروح محمد باش بحق شہیدان غازیان باش ابن مار بندم ما دم ماہو
مار ہم تور مار زہر ما بستم دین برفت قاری شہ مار مار چیت کا دن ہر ف نہ کا بحق
سید جلال بخاری۔

برائے دفع کردن زہر مار (کری)

دوڑیہ دوز پیتو تینگ پالنگ پالنگ پدیشو بند۔

ایضاً برائے دفع کردن زہر (کری)

قل بستم قلابستم جوک بستم جوکا بستم زنجیر کوئی کا زہر بستم مالک یوسے خدائی
کاہو بلا بستم۔

ایضاً برائے دفع زہر (کری)

آدی جوگی نا دی جوگی بندی کا اتادی جوگی آن وں تیں بن۔

ایضاً برائے دفع زہر (کری)

دم سلطان لیل کردیا فاما رشیخہ پہ ادر تو کالی سلطان ننک دیا سرحیتر کو ستری
دیوان شاہ مردان

ایضاً برائے دفع زہر مار (کری)

یا پیر فقیر معین الدین چشتی بخیر دار باش دم دینی سلطان غنیہ احمد کبیر۔

ایضاً برائے سوختن زہر مار
سرکین سوزن و لسوزن پیو پیر تکبیر تقدیر پیو دم و سلطان سید احمد کبیر۔

متر برائے زہر چلا نیدن

يَا خَلَّاصُ يَا مُخْلِصُ يَا مُهْتَزِّعُ خِصْرِ الْيَاسِ ط

ایضاً برائے زہر چلانیدن

چَلَّ جَلَّوِي دِل دَلَّوِي مَلَكُوتِ سَم تَرْسَمِه سِيم تَرْسَمِه وَاللّٰهُ سَمَاء

برائے زہر چلا نیدن

ار لنگه دُر پُرسه دُر پُرنکه کِداوی کِداوی بهوت چه خیر ناوی.

برائے بند کردن چلانیدن زہر

اگر کسی زہر چلانیدن پاڑوئے دیگر بند نماید این ترتیب کرده کہ یک پارہ سنگ سفید کہ با فانی آزاد بکشتی
گویند زیر چار پائے مارگزیدہ نہد و یک پارہ سنگ مذکور بالا شے خانہ نہد و دیگر کس بیج زہر
چلانید نتوان کرد۔

ایضا برائے بند کردن چلاییدن زهر

پاڑوئے عکس مند

بسم الله الرحمن الرحيم چلاندر هر چل بنم چلانم کوئی کوئی هر بنم وار هت گپٹ بنم کر چه
پتر چه که مرجه مرجه -

برائے آزاد شدن مار

لچھوڑ کے فوزی لچھوڑتی کھانڈم چلے ناگڑے چلے چلاؤ۔

منتزوع دیگر برائے گرفتار ماران

اول نام خدا کا۔ دوسرا نام محمد کا۔ سہ نام چہار یار داد مصری خیلے حبیب مبین
خیلے آخون موسیٰ آخون رحبت آخون پنجو شیخو کار مردان خدا کا۔ دایم دسلطان
سید محمد کبیر

منتر نو ۶ دھگر برائے گرفتار ماراں

دره دخدائی دره در رسول دخدائی دره و قرآن مجید دره دخلور و وار دیا رانو

دُرُھ دھتر سلیمان پیغمبرؐ تخت پہ ہوا شہ گروچے ایچے زرچے قور مار گور مار پالنگ
مار ابوسہ مار بلوسہ مار سار سر غسٹ مار کچمار چمچمار اُستہ کرے
دان چو ایند پہ بند دھتر سلیمان پیغمبرؐ۔

مترنوع دیگر برائے گرفتار ماران

بلایستم بے قلاب زنجیر نیم کا بوٹے لوی کا تیر سیم جیری سو فٹوڑھے سمندر کا نارسب
نن پر زبر زنجیر

نوع دیگر برائے گرفتار ماران

دندان بستم زبان بستم. مکان بستم. مقام بستم. بحکم سلیمان پیغمبر لا اله الا الله
محمد رسول الله ط

پہلے دفع کر دین زہر ماران

دیم خدا. دم رسول دم اُستاد اگر که سوری جیلانی چمکته ست کر که در حال تهیتی
بالستی چو کن حکم پیر استاذ.

باب بیست و سوم

در ذکر عملیات ضروری و تافع از هر نوع

طریقہ ختم خیر

اول صد بار الصلوة والسلام عليك وعلى اليك يا رسول الله بخواند. صد بار لا اله الا الله محمد
الرسول الله بخواند. صد بار الصلوة والسلام عليك وعلى اليك يا رسول الله بخواند. صد بار
يا محمد مصطفى ما رامشکل کشا بخواند. صد بار اللهم يا مفتح الابواب الخیر بخواند. صد بار
اللهم يا فتاح ويا ستور بخواند. صد بار اللهم يا كافي المهمات بخواند. صد بار
اللهم يا دافع البلیات بخواند. صد بار اللهم يا مریب الاسباب بخواند. صد بار
اللهم يا خیر الناصرين بخواند. صد بار اللهم يا واسع صد بار اللهم يا الله صد بار

اللَّهُمَّ يَا كَرِيمُ صَدِّقُ اللَّهِ يَا رَحِيمُ صَدِّقُ اللَّهِ يَا حَلِيمُ
الشَّيْطَانِ صَدِّقُ اللَّهِ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ صَدِّقُ اللَّهِ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ
صَدِّقُ اللَّهِ يَا رَحْمَةً الرَّاحِمِينَ صَدِّقُ اللَّهِ آمِينَ بخواند

طریقہ ختم کبیری

اول صد بار این درود شریف بخواند اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْقَاهِرِينَ قَهْرًا عَلَى أَعْدَائِهِ
يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ صَدِّقُ اللَّهِ يَا رَحِيمُ صَدِّقُ اللَّهِ يَا رَحِيمُ صَدِّقُ اللَّهِ
يَا قَهَّارُ قَهْرَتِ بِالْقَهْرِ وَالْقَهْرِ فِي قَهْرٍ قَهْرِكَ يَا قَهَّارُ قَهْرًا عَلَى أَعْدَائِي يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ
بخواند صد بار یا مَهِيْتُ صَدِّقُ اللَّهِ صَدِّقُ اللَّهِ صَدِّقُ اللَّهِ صَدِّقُ اللَّهِ صَدِّقُ اللَّهِ
الْعَدُوِّ صَدِّقُ اللَّهِ صَدِّقُ اللَّهِ صَدِّقُ اللَّهِ صَدِّقُ اللَّهِ صَدِّقُ اللَّهِ صَدِّقُ اللَّهِ صَدِّقُ اللَّهِ صَدِّقُ اللَّهِ صَدِّقُ اللَّهِ صَدِّقُ اللَّهِ

منتر برائے بندیز است ہفت جمع خواندہ بعد از ہزار ایک صد بار بخواند نچتہ شود از دست
یک ملا صاحب آستانہ کوہستان این منتر با جازت رسیدہ این است۔

مُجِینِ ہر مُجِینِ حُکْمِ دُخْدائی مُجِینِ اذنِ دِپیرِ اُستاد دوا مُجِینِ
دَمِ مُجِینِ حُکْمِ دُخْدائی مُجِینِ اذنِ دِپیرِ اُستاد دوا مُجِینِ
یمائے شوقِ مُجِینِ حُکْمِ دُخْدائی مُجِینِ اذنِ دِپیرِ اُستاد دوا مُجِینِ
دندارِ یدی مُجِینِ حُکْمِ دُخْدائی مُجِینِ اذنِ دِپیرِ اُستاد دوا مُجِینِ
گوشنِ اثرِ مُجِینِ حُکْمِ دُخْدائی مُجِینِ اذنِ دِپیرِ اُستاد دوا مُجِینِ
بچی مُجِینِ حُکْمِ دُخْدائی مُجِینِ اذنِ دِپیرِ اُستاد دوا مُجِینِ
موشاقتِ مُجِینِ حُکْمِ دُخْدائی مُجِینِ اذنِ دِپیرِ اُستاد دوا مُجِینِ
دوستِ بیزہ مُجِینِ حُکْمِ دُخْدائی مُجِینِ اذنِ دِپیرِ اُستاد دوا مُجِینِ
تو مکی نثرِ مُجِینِ حُکْمِ دُخْدائی مُجِینِ اذنِ دِپیرِ اُستاد دوا مُجِینِ

منتر برائے آزاد شدن چیز لیت این نیز از صاحب مذکور در مومع منگورہ ریاست سوات باین
خاکسار با جازت رسیدہ ترتیب منگلی او چون ماقبل است :-

کرم ہر کرم حُکْمِ دُخْدائی کرم اذنِ دِپیرِ اُستاد دوا کرم

یمائے شون کرم حُکْمِ دُخْدائی کرم اذنِ دِپیرِ اُستاد دوا کرم
دندارِ یدی کرم حُکْمِ دُخْدائی کرم اذنِ دِپیرِ اُستاد دوا کرم
گوشنِ اثرِ کرم حُکْمِ دُخْدائی کرم اذنِ دِپیرِ اُستاد دوا کرم
موشاقتِ کرم حُکْمِ دُخْدائی کرم اذنِ دِپیرِ اُستاد دوا کرم
دوستِ بیزہ کرم حُکْمِ دُخْدائی کرم اذنِ دِپیرِ اُستاد دوا کرم
بچی کرم حُکْمِ دُخْدائی کرم اذنِ دِپیرِ اُستاد دوا کرم
تو مکی نثرِ کرم حُکْمِ دُخْدائی کرم اذنِ دِپیرِ اُستاد دوا کرم

برائے بند شدن آسیانک ترتیب ایک بر ہفت دانہ گندم یا جواریں آیت شریف ذیل نوشتہ
بر جدا جدا ہفت ہفت بار بخواند و در دین آسیانک بنیند و یکم خداوند کریم آسیانک بند کرد
لیکن این آیت شریف ہر شب ہر جمع ہزار ہزار بار بخواند نچتہ شود این از دست استاد
کال بدست آمدہ از مالک شرط است
تَرَقَّصَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ ؟ بَعْدَ ذَلِكَ فَنُفِیْ کَالْحَاجَرَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً

ایضا برائے آزاد شدن آسیانک آیت شریف ذیل نوشتہ بر ہفت دانہ گندم یا جواریں بکرید و در دین
آسیانک بنیند و آزاد کرد و ترتیب او چہ ماقبل است این است :-
يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَيَعْلَمُ مَا تُنَادُونَ اللَّهَ عَلَيْهِمْ بِذَاتِ الْقُدُورِ
برائے بند کردن گولی و کاروس ہفت بار این دعا آئندہ بخواند و بر جانب شکر و شمن لفت کند گولی
بکم خدا بستہ گردد و سرد شود و زخم نکند :-
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا حَافِظُ يَا حَافِظُ يَا نَاصِرُ يَا رَقِيبُ يَا مُعِينُ يَا وَكِيلُ
يَا اللَّهُ ابر صا صبر صا صا و حصا صا من کل آفة حتی العرش والارض فالله
خیر حافظا و هو ارحم الراحمین

اگر کسی چہ چیز را بند کند این دعا آئندہ نچتہ کردہ یلے صد روز نچتہ کردہ و روز پنج بار بخواند
یا در چیل روز ہر روز چیل بار بخواند نچتہ گردد بازہ نچتہ سے خواندہ بند گردد :-
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بھومت مولانا شیخ عبد القادر جیلانی الہی بھومت شیخ
عز دوم سید شیخ عبد القادر جیلانی الہی بھومت قطب ربانی سید شیخ عبد القادر جیلانی
اگر کسی چشم لیم از لیم کند یہہ و شک کردہ و در پالش کس نہادہ خواب آن کس بند خواهد کرد :-

خانه پنجم برائے حرم پیش ملک و بزرگان			
۱۰	۳	۱۲	۶
۱۱	۱۶	۲	۱۱
۱۲	۹	۷	۱۳
۱۳	۴	۸	۱۴
۱۴	۱	۱۱	۱۵
۱۵	۱۲	۱۰	۱۶
۱۶	۱۳	۹	۱۷
۱۷	۱۴	۸	۱۸
۱۸	۱۵	۷	۱۹
۱۹	۱۶	۶	۲۰
۲۰	۱۷	۵	۲۱
۲۱	۱۸	۴	۲۲
۲۲	۱۹	۳	۲۳
۲۳	۲۰	۲	۲۴
۲۴	۲۱	۱	۲۵
۲۵	۲۲	۰	۲۶

خانه ششم برائے حرم پیش ملک و بزرگان

۱۰	۳	۱۲	۶
۱۱	۱۶	۲	۱۱
۱۲	۹	۷	۱۳
۱۳	۴	۸	۱۴
۱۴	۱	۱۱	۱۵
۱۵	۱۲	۱۰	۱۶
۱۶	۱۳	۹	۱۷
۱۷	۱۴	۸	۱۸
۱۸	۱۵	۷	۱۹
۱۹	۱۶	۶	۲۰
۲۰	۱۷	۵	۲۱
۲۱	۱۸	۴	۲۲
۲۲	۱۹	۳	۲۳
۲۳	۲۰	۲	۲۴
۲۴	۲۱	۱	۲۵
۲۵	۲۲	۰	۲۶

خانه هفتم برائے اخرونی و زراعت و باغ

۱۰	۳	۱۲	۶
۱۱	۱۶	۲	۱۱
۱۲	۹	۷	۱۳
۱۳	۴	۸	۱۴
۱۴	۱	۱۱	۱۵
۱۵	۱۲	۱۰	۱۶
۱۶	۱۳	۹	۱۷
۱۷	۱۴	۸	۱۸
۱۸	۱۵	۷	۱۹
۱۹	۱۶	۶	۲۰
۲۰	۱۷	۵	۲۱
۲۱	۱۸	۴	۲۲
۲۲	۱۹	۳	۲۳
۲۳	۲۰	۲	۲۴
۲۴	۲۱	۱	۲۵
۲۵	۲۲	۰	۲۶

بر که این تعویذ بخورد در روز و از مشرق تا مغرب دشمن باد نتواند بدو دستن گردود.

بر که این تعویذ نوشته زیر سر گذاشته هرگاه که بخواب رود حقیقت حل خود در خواب بیند.

این سوخته غلط مد اسمائے ملائک مقرب که بر هر زمست بخت بار بگوید اثر کالی دارد.

قل هو الله احد يا جبرائيل الله الصمد يا ميكائيل لم يلد ولم يولد يا اسرافيل ولم يكن له كفوا احد يا عزرائيل

اگر کسی در کار فرومانده باشد یا در دست قائل گرفتار باشد این دعا بخواند و در هر روز یک بار بخواند و در هر روز یک بار بخواند و در هر روز یک بار بخواند.

این خروس نام مجیب غریب است یعنی مرغ خانگی زکرام وقت که از سر لو بانگ آغاز کرده یا مرغ ماهی کر بانگ بگوید یعنی بگرام شب که بگوید تاثیر مطابق آن شب می نماید چنانچه در سنجی با فتالی تلم درج شده است.

که به شب هم دشمنه بانگی چغار کسری
که به شب دیکشنه بانگی چغار کسری
که به شب دد دشمنه بانگی چغار کسری
که به شب دسه دشمنه بانگی چغار کسری
که به شب دچهار دشمنه بانگی چغار کسری
که به شب دپانسنه بانگی چغار کسری
که به شب دجمع بانگی چغار کسری

هر که این دعا شش ذیل نوشته در هر روز با بخ بار بگوید دل او روشن گردد و هر که بر آتش کشد بار بخواند اگر هزار نفر سنگ دور باشد میاید این است.

یا رخص کل شیء ذرا حصه

بر که این دعا شش ذیل نوشته بر روز یکشنبه بخواند و بر چوب سها و یکشنبه گریزند و پشیمان شود و روز تر بخواند خود مراجعت نماید این است.

یا واحد الباقی اول کل شیء و آخر

هر که این دعا بر آتش غالب در شب و در شب بخواند بار بگوید هر جا که باشد در خواب بیند اگر زند و باشد آواز خنده آید اگر مرده باشد آواز گریه آید این است.

یا منان ذو الاحسان

قد عه کل خلا عن منه

اگر کسی را چیزی گمشده باشد این دعا بر گردن گرساله خورد و به بند و هر کس که گدازد یک یک بیاید و دست بر پست آن بکشد هر که دزد باشد یکشیدن دست او گرساله آواز دهد و زور شور کند

بسم الله الرحمن الرحیم و ذر الذین فی السماء عبیدون کانتوا ینفقون برحمتک یا ارحم الراحمین

بر که مفس باشد این نقش زشته در کیه شود و در یکم خدا پاک خرج از عیب بدست آید.

هو الرزاق علی الاطلاق ۹۱۱۱ بسط ۱۱ ۱۱ هالعه

اگر کسی گریخته باشد این دعا بخواند و در هر روز یک بار بخواند و در هر روز یک بار بخواند و در هر روز یک بار بخواند.

یا بد و ح یا حفیظ یا قریب یا مجیب

مغیر بن شعبه گفته بر که این دعا در شب جمعه یک و چهل بار بخواند هر حاجت که داشته باشد لیکن که حاجت شرعی باشد تا بعد آینه درست و روا خواهد گردید.

سبحان القدیم الذی لم یزل سبحان العلیم الذی لم یجهد
سبحان الجواد الذی لا یبخل سبحان العلیم الذی لا یجعل
برحمتک یا ارحم الراحمین

باب بیست و چهارم

در معلومات امراض و بیماری بمباران

نام بیمار و مادر بیمار با یکدیگر جمع کنند و بفنگانه طرح کنند اگر هفت ماند جدا که آغاز بیماری او شنبه باشد
اگر یک ماند شنبه باشد اگر دو ماند دوشنبه باشد بقیاس پس حسب طالع آن روز وین بیان
فیل حالت بیمارانی او معلوم کند موافق مرض بیمار تعویذ و دوائی و صدقه معلوم گردد هر که این عمل بجای آورد
مریض بکرم خداوند کریم شفا عاجل یابد.

شب شنبه حکومت مرغ است اگر کسی درین شب بیمار شود علامات مرض اینکه در هفت اندام
دست و روبرو باشد و نیز ده روز مخاطمه کشد انا صحت یاب شود تعویذ مرض این است.

بسم الله الرحمن الرحيم یا قیوم یا واحد یا محمد لا اله الا انت یا حی یا قیوم اسألك بکلمه تفر
خاک یا الله یا الله یا الله بر جنتک یا ارحم الراحمین و صدقه مرضی اینک چهار آثار آرد گنم و هفت
گز پارچه سفید بر مسکینان بد بد اگر فقیر باشد پنج پاؤ آرد یا چراغ روشن کرده بمسجد فرستد و در دس
مرض ایکه گلاب و قند سیاه و قندقل و سپند با هم میرد کرده سه سحر بخورد بکرم خداوند کریم صحت یابد.

روز شنبه حکومت زحل است اگر کسی درین روز بیمار گردد سایه جن برود و کوفتی پدید رفته
باشد آنجا آسیب از جن رسیده باشد علامات مرض اینکه درد شکم دارد و آتیز سینه رده رده مخاطمه دارد
نیم جان باشد این تعویذ و صدقه نوشته یک و بخورد و یک در گردن به بندد بسم الله الرحمن الرحيم
یا هو یا هو یا علینا استیخا اسلونا یا طرنا و در دس مرض اینکه خاک از چهار راد بیمار و آب
چهار چاه بیلد خاک را در آب انداخته بسوزند و در آن برین و بینی بیمار برساند صدقه مرض
اینکه ده سیر بخورد و هر یاده سیر گنم و پنج سیر گوشت خام و در جامه تن بیمار بد بد و در نیم سیر رغن کنجد
در حال بد بد بکرم خداوند کریم شفا کامل یابد.

شب یکشنبه حکومت عطارد است درین شب اگر کسی بیمار شود او را پیری نظر کرده

علامات مرض اینکه او را درد دل و سر باشد و در گریه اندام در میکند و نبال پس سه روز نیم جان است
باید که این تنوید نوشته بر گلاب به بندد بسم الله الرحمن الرحيم یا حی یا قیوم یا
ذو الجلال والا کرام اسألوک العافیة و لك الحمد لا اله الا انت المحنان المنان بحق ایدوب
بسیغیر و در دانی مرض اینکه سپند و جوانی میرد کرده در میان قننداخته مخلوط کند بیمار را بخورد و
صدقه مرض اینکه چهار ده سیر غله سیاه پنج سیر گوشت خام یا مرغ خشید و هفت گز پارچه لعل یا سفید بد بد
فقیر باشد از پنج پاؤ آرد و نان پنجه یا چراغ روشن کرده بمسجد فرستد افضل خداوند کریم صحت کامل
و شفا عاجل یابد.

روز یکشنبه حکومت آفتاب است اگر کسی درین بیمار گردد آسیب از ترس پیران
سر آمد رسیده باشد و نیز وقت زوال یافته باشد علامت مرض اینکه از درد دل بنابر سه روز مخاطمه
سخت دارد و بعد از آن بر شود تا پانزده روز معمولی بیمار بود باید که این تعویذ یک نخورد
و بدو یک گردن به بندد بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من جميع الجن والانس

وان یکاد الذین کفرو و الیز لقة نک یا یصا یسمع الذکر و یقولون انه لمجنون و یا
هو الا ذکر العالمین و در دس مرض اینکه زیره و فلفل و جوانی رسپند خوب میرد کرده با هم آمیزد
با قند سیاه غلط کرده معجون سازد سه روز بخورد و صدقه مرضی اینک یکیم من کنبه و ده آثار آرد گنم
و نه گز پارچه لعل یا سفید و پنج سیر گوشت خام و یا اگر فقر باشد هفت سیر آرد پنجه یا چراغ روشن
کرده بمسجد فرستد.

شب دوشنبه حکومت قمر است اگر کسی درین بیمار شود و راول ساعت از نظر
دیو و پیری آسیب در مقام خالی با در سیده باشد علامت مرض آنکه در دشت و پہلو باشد هفت
روز تا پانزده روز مخاطمه دارد و اگر در آخر شب بیمار گردد و بیست و پنج روزی طره باشد باید که این
تعویذ نوشته بر گلاب به بندد بسم الله الرحمن الرحيم الا تعلقوا علی و آتونی مسلمونه و در دس
مرض اینکه از غلک و قند کینه آتش بخوراند و بیمار را بخورد و صدقه مرضی اینک ده سیر غله سیاه و پنج سیر گوشت
خام و سه آثار نمک و ده گز پارچه لعل یا سفید و در بر بد بد که صحت یابد اگر فقر باشد از هفت نیم پاؤ آرد
نان پنجه یا چراغ روشن کرده بمسجد فرستد بکرم خداوند کریم صحت یابد.

روز دوشنبه حکومت قراست اگر کسی درین بیمار شود و اسایه ام العلیان رسیده در ملت خفتن خود را بر بستره کرد و زخم چشم ام العلیان رسیده باشد علامات مرگ آنکه در شکم دارد گردن و در ریه دارد و در روز نهار باشد این تعویذ نوشته در گوشه بیمار به بند بسم الله الرحمن الرحیم ناله خیر حافظا و هو الرحمن الرحیم و در او در می سر غره اینک کنیم سخته حاجرات غلط نموده بیمار را بخورزند صدقه مرض اینک بکنیم من غله گندم یا خود و پنج سیر گوشت و هفت گز پارچه لعل یا سفید بد بد اگر فقیر باشد پنج پاؤ آرد نان پخته یا چراغ روشنی کرده بسمه فرستد.

شب سه شنبه حکومت زهرا است اگر کسی درین بیمار شود علامت مرض آنکه از خوردن غذا در شکم دارد و در زخم خون جان او باشد باید که این تعویذ نوشته در گوشه بیمار بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله محمد رسول الله بحق اهلها شریها و در او در می مرض اینک از عکس آب جوانی برگ ز قند سیاه جو شایند بخوراند صدقه مرض اینک ده سیر غله گندم یا خود و هفت سیر گوشت خام و هفت گز پارچه لعل یا سفید بد بد بهتر گردد اگر فقیر باشد از پنج پاؤ آرد گندم نان پخته بسمه فرستد حکم خداوند کریم صحت یابد روز سه شنبه حکومت مرغ است اگر کسی درین بیمار شود علامات مرض آنکه در کف دارد باید که این تعویذ در گوشه بند بسم الله الرحمن الرحیم یا هو یا هو یا هو یا احد مسجنا عاء ستکون خلونا بر حمتک یا ارحم الراحمین و در او در می مرض اینک خاک چهار راه و آب چهار آسیا و آب چهار چاه و سپند این به رایجی کرده مرض را در بند و چهار بار بر سر مرض بگرداند نیکو شود و صدقه مرض اینک ده سیر غله یا گندم و پنج سیر گوشت خام و هفت گز پارچه لعل یا سفید بد بد اگر فقیر باشد از پنج پاؤ آرد نان پخته چراغ روشنی کرده بسمه بفرستد حکم خدا پاک صحت یابد.

شب چهارشنبه حکومت رحل است اگر کسی درین بیمار شود و اسایه پیران رسیده باشد علامات مرض آنکه در شکم و در پهلو دارد و در زخم گزند این تعویذ نوشته برگال به بند بسم الله الرحمن الرحیم اللهم جو سنا بعین کل الایام یا ارحم الراحمین و لطیف بلطفک الدین و رحمنا لقد رتک یا ارحم الراحمین و صدقه مرض اینک یک سیر غله سیاه درواز دو گز جامه سفید نخل بد بد تار و به شود و در می مرض اینک نیک سجاده غفران در آب انداخته

در تمام بدن او باله حکم خدا پاک صحت یابد. روز چهارشنبه حکومت عطارد است اگر کسی درین بیمار شود علامات مرض اینک بسیار از درد و غم دارد پنج روز نهاره سخت دارد این تعویذ نوشته بخوراند بسم الله الرحمن الرحیم اللهم واخو منک امری الی الله ان الله بصیر بالعباد یا حنان یا منان یا الله یا رحمان یا رحیم و در او در می مرض اینک شک و زعفران و لیل و در از یکجا مید کرده مرض را بد بد که بخور روز صدقه مرض اینک جامه تن مرض و پنج سیر غله و یک نیم سیر گوشت خام بد بد به شود حکم خداوند کریم زود تر شفا یابد.

شب پنجشنبه حکومت مرغ است اگر کسی درین بیمار شود علامت مرض آنکه جمله اندام در در کتب پنج روز نهاره باشد بیماری در از کشیم جان داد و این تعویذ نوشته در گردن به بند. بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله فسیکفیک هو الله و هو السميع العلی و در او در می مرض اینک جوانی و سپند یک جامه کرده بخوراند زعفران و لیل و در از تیز منید است و صدقه مرض اینک یک سیر غله و یک نیم سیر روغن و ماش و نه گز جامه سفید بد بد که بفضل خداوند کریم شفا یابد اگر فقیر باشد چمن ماقبل الذکر کند.

روز پنجشنبه حکومت شریعت اگر کسی درین بیمار شود علامات مرض اینک از خانه بر آید نظر بر او افتاده باشد و در پهلو و کتفها دارد و بشت روز نیم دارد و بعد از آن به شود و تا شام زود روز نهاره باشد این تعویذ نوشته برگردن به بند بسم الله الرحمن الرحیم اذا اراد شیئان یقول له کن فیکون یا الله یا الله یا محمد یا محمد یا محمد در او در می مرض اینک دل گرفتگی و شکم غل یا روغن گادی ماده بخوراند و در وقت نماز شام بر سر آن بیمار دو برساند یعنی از چهار راه خاک بیارد سپند با و غلط نموده دو دهر و صدقه مرض اینک با زده سیر گندم و نه گز جامه سفید و پنج سیر گوشت خام بد بد اگر فقیر باشد چمن ماقبل الذکر کار کند.

شب جمعه حکومت قراست اگر کسی درین بیمار شود و نهاره نباشد بیماری او سهل گردد و در اسایه جن رسیده باشد در وقت شتری بیرون از خانه رفته باشد علامت مرض آنکه در دهن دارد و هفت روز بیماری قدس کشته بعد از آن نیکو شود این تعویذ نوشته برگردن به بند و شود.

بسم الله الرحمن الرحيم وان ترآن سبیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلبه بد
الموت بالله الامر جمیعاً در اردی مرض اینک زعفران و کل سرخ بر آردن کرد و پیشانی بیمار را
کند و صدقه مرض اینک بنشیند و جامه بیمار مسکینان خرابه و او بکلم خداوند کریم شفا عاجل یابد
روز جمعه حکومت دهره است اگر کسی درین بیمار شود و در چشم گفتار بود علایات مرض
اینکه دل او در در کند نه در زخمی مرده دارد فاما صحت یا بد این توفیق نوشته بر گردن بنده بسم الله الرحمن الرحيم
وتنزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولایة لِّلظالمین الاختصار اوله و آخره
مرض اینک سپند و جیفیل و جوز و قرقفل یک ساید کرده همه که هم وزن باشد و در آب ترکند و گوشت
و بینی در دست و پاشی بیمار و صدقه مرض اینک سیر غله و چند نان پخته کرده بمسح بفرستد بکلم
خداوند کریم شفا عاجل یابد
این بیمار نامه در موضع انوشه است سرت از یک عمل کامل وصول کرده ام

در بیان معلومات حیات و ممات

اگر خواهی که بدانی حیات و ممات بیمار پس نام بیمار و نام مادر بیمار بحساب ایجد جمع کن آنکه سه سه طرح کن
اگر در روز شنبه بیمار شده باشد اگر یک باشد بشود اگر دو ماند بیماری دراز کشد اگر سه ماند میرد اگر روز بیمار شد نش
یکشنبه باشد اگر یک ماند که روز ماند بیماری دراز کشد اگر سه ماند میرد اگر روز بیمار شد نش و دوشنبه باشد اگر دو
ماند بشود اگر سه ماند بیماری دراز کشد اگر یک ماند میرد اگر بیمار شد نش چهارشنبه باشد اگر سه ماند
شود اگر یک ماند بیماری دراز کشد اگر دو ماند میرد اگر روز بیمار شد نش چهارشنبه باشد اگر یک ماند
بشود اگر دو بیماری دراز کشد اگر سه ماند میرد اگر روز بیمار شد نش باشد پنجشنبه باشد اگر دو ماند
بشود اگر سه ماند بیماری دراز کشد اگر یک ماند میرد اگر روز بیمار شد نش جمعه باشد اگر سه ماند بشود اگر
یک ماند دراز کشد اگر دو ماند میرد

نوع دیگر معلومات بیماری

هر که در شب شنبه بیمار شود اگر در اول شب بیمار شود اگر در میان شب بیمار شود کم زید بگر در آخر

این جدول شامل ۱۲ نماد است که در ۳ ردیف و ۴ ستون قرار دارند. هر نماد در یک دایره یا بیضی قرار دارد و شامل اشکال هندسی و نمادین است. در کنار این نمادها، متن فارسی در ستون‌های عمودی قرار دارد که توضیحاتی در مورد این نمادها و روش استفاده از آنها برای تشخیص نوع بیماری و زمان فوت بیمار ارائه می‌دهد. همچنین در پایین این جدول، یک بیت شعر درج شده است.

این بخش شامل یک جدول بزرگ و پیچیده است که در آن، اطلاعات مربوط به حیات و ممات بیمار بر اساس روزهای هفته و تعداد روزهای بیمار شدن ثبت شده است. در مرکز این جدول، یک تصویر دایره‌ای قرار دارد که شامل یک نقشه یا نماد است. در اطراف این جدول، متن‌های فارسی درج شده است که توضیحاتی در مورد نحوه استفاده از این جدول و تفسیر نتایج آن ارائه می‌دهد. همچنین در پایین این جدول، یک بیت شعر درج شده است.

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
---	---	---	---	---	---	---	---	---	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	-----

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
---	---	---	---	---	---	---	---	---	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	-----

این جدول برای محاسبه مساحت زمین و محاسبه اجزای آن است. هر یک از اعداد در این جدول نشان دهنده مساحت یک قطعه زمین است که با ابعاد مشخصی در این جدول قرار دارد. این جدول برای محاسبه مساحت زمین و محاسبه اجزای آن بسیار مفید است.

شب بیمار شود رنج دراز کشد بعد به شود باید که زود صدقه بدد که صحت یاب گردد هر که در شب بکشد
بیمار شود اگر در اول شب بیمار شود کم زید اگر در میانه شب بیمار شود کم زید اگر در میان شب بیمار شود
رنج دراز کشد لیکن صدقه سبب توفیق رود بدد که به شود اگر در آخر شب بیمار شود زود شفا یابد هر که در
شب دو شنبه بیمار شود اگر در اول شب بیمار شود بیم رنج دراز کشد اگر در میان شب بیمار شود زود
شفا یابد اگر در آخر شب بیمار شود کم زید باید که صدقه با خلاص بدد تا ازین بلا خلاص یابد هر که در شب
سه شنبه بیمار شود اگر در اول شب بیمار شود رنج دراز کشد اگر در میان شب بیمار شود تا یک ماه
رنج کشد اگر در آخر شب بیمار شود میرد یا یک که زود صدقه بدد تا که از آفت خلاص شود هر که در شب
چهارشنبه بیمار شود اگر در اول شب بیمار شود چهار روز گزنی دارد اگر در میان شب بیمار شود مرض
در قریب گزنی زود صدقه بدد اگر در آخر شب بیمار شود بیماری دراز کشد و باریه گردد هر که در شب
پنجشنبه بیمار گردد اگر در اول شب بیمار شود بیماری دراز کشد و سخت گردد لیکن صدقه بدد تا
شفا یاب گردد اگر در میان شب باشد و اندک گرانی باشد اگر در آخر شب بیمار شود رنج دراز
کشد بازیه شود اما صدقه دادن شرط است تا زود به گردد و صحت یابد هر که در شب جمعه بیمار
شود صحت یابد اگر در میان شب بیمار شود بیماری و رنج دراز کشد اگر در آخر شب بیمار شود ویر نیابد باید
که زود صدقه بدد تا که ازین بلا آفات خلاص یابد

نوع دیگر معلومات حیات و ممات بیمار

نام سرخس و نام روز بیمار شدنش بحساب بمجموع کند و سه گانه طرح کند باز به دایره بای ذیل درج شده
نگاه اندازد اگر حاصل طرح به لوح حیات در آمد شد بیمار صحت یاب شود اگر طرح ممات دریافت
شد پس بیمار از آن بیماری میروین عمل از یک عامل کامل موضع لیونی علامه غریب ریاست سوات رسول گردید
غریب ریاست سوات وصول گردیده

لوح حیات

۱	۲	۳	۴
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۲۱	۲۲	۲۳	۲۴

لوح مسات

۴	۵	۶	۷
۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۸	۲۱	۱۲	۲
۲۵	۲۸	۳۰	

باب بیست و پنجم

در ذکر حساب ابجدی مساعت نیک و بد حساب جال لغیب
و ذکر ایام نحس و امور یونانی و ذکر فال نامه

دائرة ابجدی

۱	ب	ج	د	هـ
۱	۲	۳	۴	۵
۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵
۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰
۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰
۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵
۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵
۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰
۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵
۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰
۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵
۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵
۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰

ابجد هو خطی کمن سقفس قرشت ثخذ صنف

در بیان دانستن آن ملازم در نوشتن تعویذات و عملیات بکار آید -

عال و شائق این فن را باید که اول حکم و اهلالت از استاد گیرد و دوم در جائی پاک نشیند و سوم که

که با وضو باشد چهارم که در خلوت تنها باشد و پنجم بوقت نوشتن تعویذ سخنان بادگر نگویید ششم که از ساعت و سنی و طینی خبردار باشد هفتم اینکه بر سر یک روز نشیند ششم اینکه بوقت نوشتن تعویذ خوشبختی و بد کند نهم اینکه اندک شیرینی در دهان بگیرد و دهم اینکه بوقت ساز کردن قلم بر آید اگر کسی بخواند و چاقو بر آن دم کند و قلم بعد از آن بر آن چاقو سازد اگر کسی را طبع آتشی باشد قلم سرخ رنگ بسازد و اگر طبع آبی باشد قلم کبود سازد و اگر خاکی باشد قلم سفید سازد و اگر طبع بادی باشد قلم سیاه سازد این ترتیب کرده عمل بعد از آن جاری شود

نوع دیگر که راطالع دانسته مطابق آن تعویذ باید نوشت

اگر برائتی که تعویذ مجتبت کند پس نام او را در حساب ابجد جمع کند و باز ده گانه طرح کند اگر یک ماند طالع او برج حمل آتشی خانه مزخ است تعویذ او را در روز یکشنبه باید کرد و در آتش دفن کند اگر دو ماند طالع او برج ثور خاکی خانه زهره است تعویذ او را در روز جمعه نوشته در خاک دفن کند اگر سه ماند طالع او برج جوزا بادی نر خانه عطارد است تعویذ او را در روز چهارشنبه باید کرد و در باد آویخته کند اگر چهار ماند طالع او برج سرطان آبی باده خانه قمر است تعویذ او را در روز یکشنبه باید کرد و در آب بیندازد اگر پنج ماند طالع او برج اسد آتشی نر خانه شمس است تعویذ او را در روز یکشنبه باید نوشت و در آتش اندازد اگر شش ماند طالع او برج سنبل خاکی ماده خانه عطارد است تعویذ او را در روز چهارشنبه باید نوشت و در خاک دفن کند اگر هفت ماند طالع او برج میزان بادی نر خانه زهره است تعویذ او را در روز جمعه باید نوشت و در حوت بریند اگر هشت ماند طالع او برج عقرب بادی ماده خانه مزخ است تعویذ او را در روز شنبه باید نوشت و در آب ریختن باید کرد اگر نه ماند طالع او برج قوس آتشی نر خانه مشتری است تعویذ او را در روز یکشنبه باید نوشت و در آتش دفن کند اگر ده ماند طالع او برج جدی ماده خانه زحل است تعویذ او را در روز شنبه باید نوشت و در خاک دفن کند اگر یازده ماند طالع او در لوه بادی نر خانه زحل است تعویذ او را در روز جمعه باید نوشت و در باد آویخته کند اگر دوازده ماند طالع او برج حوت آبی نر خانه مشتری است او را در روز یکشنبه باید نوشت و در آب اندازد

نوع دیگر

بر آنکس را که طالع حمل بر محل خانه زحل است و آتشی است در حق تعویذ خوب بندی و دوستی بهتر بود تعویذ
 بر روز سه شنبه نوشته در آتش دفن کند قور خاک و خانه زهره است که را طالع ثور بود تعویذ دوستی بر روز جمعه یا شنبه
 نوشته در خاک دفن کند جوی من ا بادی خانه عمارت است که را طالع جوزا باشد تعویذ دوستی در زمان بندی
 در حق او بستر بود تعویذ بر روز یکشنبه یا چهارشنبه نوشته در بار آویزد سلطان آبی خانه قراست که
 را که طالع سرطان است تعویذ خواب بندی در حق او بهتر است تعویذ بر روز دوشنبه یا شب جمعه یا بد نوشته
 آتش خانه شمس است که را طالع اسد باشد تعویذ دوستی بنام او بهتر بود تعویذ بر روز چهارشنبه
 یا شب یکشنبه یا بد نوشته و در خاک دفن کند سنبله خاکی خانه عطار است که را طالع سنبله
 باشد تعویذ دوستی بنام او بهتر بود تعویذ بر روز جمعه یا شب یکشنبه یا بد نوشته و در خاک دفن کند صیزان
 بادی خانه زهره است که را طالع میزان است تعویذ دوستی در حق او بهتر بود تعویذ بر روز جمعه یا شب یکشنبه
 یا بد نوشته در بار آویزد عقرب آبی است خانه مرتفع است که را طالع عقرب باشد تعویذ
 خواب بندی در حق او بهتر تعویذ بر روز شنبه یا بد نوشته در آب اندازد قوس آتشی خانه
 شتری است که را طالع قوس باشد تعویذ دوستی بنام او بهتر است تعویذ بر روز یکشنبه یا شب دوشنبه
 یا بد نوشته در آتش اندازد حیدری خاکی خانه زحل است که را طالع جدی باشد تعویذ
 زبان بندی در حق او بهتر است تعویذ بر روز شنبه یا در شب شنبه بنویسد در خاک دفن کند دلو
 بادی خانه زحل است که را طالع دلو باشد تعویذ زبان بندی در حق او بهتر است تعویذ بر روز
 شنبه یا چهارشنبه بنویسد در بار آویزد حوت آبی خانه مشتری است که را طالع حوت
 باشد تعویذ دوستی در حق او بهتر تعویذ بر روز یکشنبه یا شب دوشنبه یا بد نوشته در آب دفن کند

نوع دیگر

تعویذ دوستی مرد با مرد در ساعت آفتاب بر روز یکشنبه یا بد نوشته تعویذ دوستی زن با زن در ساعت
 مشتری روز دوشنبه یا بد نوشته تعویذ دوستی مرد با زن در ساعت زمره بر روز جمعه یا بد نوشته تعویذ
 مرد با مرد در ساعت زحل بر روز شنبه یا بد نوشته تعویذ عداوت زن با زن در ساعت عمارت بر روز

چهارشنبه باید نوشته تعویذ عداوت مرد با زن در ساعت مرتفع بر روز سه شنبه یا بد نوشته

نوع دیگر

این هر سه بروج آتشی اند بجانب مشرق اند که را که طالع اژدها باشد
 پس بوقت نوشتن عملیات رو به مشرق کند شود سنبله حیدر آبی هر سه خاکی اند و تعلق
 بمغرب دارند که را که طالع اژدها بروج باشد رو بمغرب کند سلطان عقرب حوت این هر
 سه آبی اند و تعلق بشمال دارند و وقت نوشتن عمل رو به شمال کند جوزا میزان دلو
 این هر سه بروج بادی اند تعلق بجنوب دارند و وقت نوشتن عمل که را طالع اژدها بروج باشد
 رو به جنوب کند

نوع دیگر

محرم جمادی الاول رمضان المبارک این هر سه ماه آتشی اند که را طالع آتشی باشد تعویذ دین یا بد نوشته
 صفر انظر جمادی الثانی شوال المکرم این هر سه ماه خاکی اند که را طالع خاکی بود تعویذ
 درین نوشتن ربیع الاول رجب المرجب ذیقعد این هر سه ماه بادی اند که را طالع بادی
 باشد تعویذ درین باشد نو ششم ربیع الثانی شعبان المعظم ذیحجه این هر سه ماه آبی اند که را طالع آبی بود درین نوشتن

نوع دیگر

تعویذ اگر برائے مرد نویسد بر زن نوشته پائے راست نویسد اگر برائے عورت نویسد پائے راست شکسته
 کرد بر زن نوشته چپ نویسد اگر برائے دوستی نویسد در ساعت زهره و مشتری نویسد در وقت حمل کردن عود و خوشبو
 در آتش اندازد و بنه در بینی نهد و شیرینی در دهان گیرد اگر تعویذ برائے عداوت نویسد در وقت زحل و تیغ
 بنویسد و چیزه تلخ در دهان گیرد و چیزه بدبو در آتش انداخته که دور بدبو گردد اگر برائے زبان
 بندی نویسد در ساعت عطار و دمسک نویسد در وقت نوشتن بادم بخورد اگر برائے خواب بندی نویسد
 در ساعت شمس نویسد چیزه ترش بخورد اگر برائے عداوت و دشمنی نویسد پائے چپ جمع کند و
 پارے است دراز کرده و در زانو پیچ نشیند و چیزه تلخ بخورد و چیزه بدبو در آتش انداخته
 چو میوه می خورد و میوه گریه دهنده بر این عمل بجا آورد و ده کار درست خواهد شد و خطا نرود

در معلومات ساعات نیک و بد

شنبه اول روز وقت زحل برائے دشمنی نیم چاشت وقت گم برائے دوستی نیم روز وقت مزخ
برائے دشمنی نماز پیشین وقت شمس برائے دوستی میان دو نماز وقت زهره برائے دوستی نماز دیگر وقت
مشتري برائے دوستی آخر روز وقت عطارد برائے زبان بندی یکشنبه اول روز وقت شمس
برائے دوستی نیم چاشت وقت زهره برائے دوستی نیم روز وقت عطارد برائے زبان بندی نماز پیشین
وقت گم برائے خواب بندی میان دو نماز وقت زحل برائے دشمنی نماز دیگر وقت مشتري برائے دوستی
آخر روز وقت عطارد برائے زبان بندی دوشنبه اول روز وقت گم برائے دوستی نیم چاشت
وقت زحل برائے دشمنی نیم روز وقت مشتري نماز پیشین وقت مزخ برائے دشمنی میان دو نماز وقت
شمس برائے دوستی نماز دیگر وقت مزخ برائے دوستی آخر روز وقت عطارد برائے زبان بندی -

سه شنبه اول روز وقت مزخ برائے دشمنی نیم چاشت وقت شمس برائے دوستی نیم چاشت
وقت زهره برائے دوستی نماز پیشین وقت عطارد برائے زبان بندی میان دو نماز وقت گم برائے
دوستی نماز دیگر وقت زحل برائے خواب بندی آخر روز وقت مشتري برائے دوستی چهارشنبه
اول روز وقت عطارد برائے زبان بندی نیم چاشت وقت گم برائے دوست نیم روز وقت زحل برائے
دشمنی نماز پیشین وقت مشتري برائے دوستی میان دو نماز وقت مزخ برائے دشمنی نماز دیگر وقت شمس برائے
دوستی آخر روز وقت زهره برائے دوستی پنجشنبه اول روز وقت مشتري برائے دوستی
نیم چاشت وقت مزخ برائے دشمنی نیم روز وقت شمس برائے دوستی نماز پیشین وقت زهره برائے
دوستی میان دو نماز وقت عطارد برائے زبان بندی نماز دیگر وقت زحل برائے دشمنی آخر روز وقت مشتري برائے دوستی
جمعه شریفه اول روز وقت زهره برائے دوستی نیم چاشت وقت عطارد برائے زبان
بندی دو نماز وقت مزخ برائے زبان بندی نماز دیگر وقت مشتري برائے دوستی آخر روز وقت شمس برائے دوستی -

یک نقش هزاره منور شده جدول ایام منور و در کل سال دیگر نقش هذامصور شده

مهر ۱۱ - ۳	مهر ۲ - ۱	مهر ۱۰ - ۲	مهر ۲ - ۱	مهر ۲ - ۱
ربیع الثانی ۱۸ - ۱	مهر ۲ - ۱	مهر ۱۰ - ۲	مهر ۲ - ۱	مهر ۲ - ۱
رجب ۱۸ - ۳	مهر ۲ - ۱	مهر ۱۰ - ۲	مهر ۲ - ۱	مهر ۲ - ۱
شوال ۶ - ۶	مهر ۲ - ۱	مهر ۱۰ - ۲	مهر ۲ - ۱	مهر ۲ - ۱

در بیان دانستن رجال الغیب

بدانکه رجال الغیب در فاسی چهل ابدال دارند و در بندی یک روز گنی گویند و به غایت خود حلقه می اندازند و علم
پیدا شده اند که در اجماع میگردند و میبینند هر که مقابل در و دروئی ایشال میروند یا گم کنند خزانده حساب
رجال الغیب بر دو نوع است یکی عام دیگر خاص عام انبیت در روز شنبه مشرق باشد و یک شنبه جنوب
باشد و در روز شنبه نیز در مشرق باشد و در شنبه شمال باشد و در چهارشنبه نیز در شمال باشد و در پنجشنبه در جنوب
باشد و در جمعه در مغرب باشد و خاص این است که در بزرگ اکل روز در اکنی باشند و در دوم روز در نیرت باشند
و در سوم روز در جنوب باشند و چهارم روز در مغرب باشند و پنجم روز در نایب باشند و ششم روز در ایشال باشند
و در هفتم روز در مشرق باشند و هشتم روز در شمال باشند و نهم روز در اکنی باشند و دهم روز در نیرت باشند و یازدهم
روز در جنوب باشند و دوازدهم روز در مغرب باشند و سیزدهم روز در نایب باشند و چهاردهم روز در مشرق باشند
و پانزدهم روز در شمال باشند و شانزدهم روز در اکنی باشند و هجدهم روز در نیرت باشند و نوزدهم روز در جنوب
باشند و بیستم روز در مغرب باشند و بیست و یکم روز در نایب باشند و بیست و دوم روز در مشرق باشند
و بیست و سوم روز در شمال باشند و بیست و چهارم روز در اکنی باشند و بیست و پنجم روز در نیرت باشند و بیست و ششم
روز در جنوب باشند و بیست و هفتم روز در مغرب باشند و بیست و هشتم روز در ایشال باشند و بیست و نهم روز
در مشرق باشند و در سی روز در شمال باشند -

نقش و اثره رجال الغیب

جنوب	نقش و اثره رجال الغیب	اکنی
۱ - ۹ - ۱۶ - ۲۳	۲ - ۱۱ - ۱۸ - ۲۵	۳ - ۱۰ - ۱۷ - ۲۴
۴ - ۱۲ - ۱۹ - ۲۶	۵ - ۱۳ - ۲۰ - ۲۷	۶ - ۱۴ - ۲۱ - ۲۸
۷ - ۱۵ - ۲۲ - ۲۹	۸ - ۱۶ - ۲۳ - ۳۰	۹ - ۱۷ - ۲۴ - ۳۱

حکومت هفت ستارگان در شب و روز

روز	۱	۲	۳	۴	۵	۶
کینه	کینه	کینه	کینه	کینه	کینه	کینه
عطارد	زهره	زحل	مشتری	مریخ	کینه	کینه
کینه	کینه	کینه	کینه	کینه	کینه	کینه
زهره	عطارد	زحل	مشتری	کینه	کینه	کینه

۱	۲	۳	۴	۵	۶
کینه	کینه	کینه	کینه	کینه	کینه
کینه	کینه	کینه	کینه	کینه	کینه
کینه	کینه	کینه	کینه	کینه	کینه
کینه	کینه	کینه	کینه	کینه	کینه

ایضا جدول حکومت ستارگان

حاکم	زحل	زهره	عطارد	کینه	کینه	کینه
حاکم چین	مشتری	کینه	کینه	کینه	کینه	کینه
حاکم ترکستان	مریخ	کینه	کینه	کینه	کینه	کینه
حاکم خراسان	شمس	کینه	کینه	کینه	کینه	کینه
حاکم بلاد نهر	زهره	کینه	کینه	کینه	کینه	کینه
حاکم دوم	عطارد	کینه	کینه	کینه	کینه	کینه
حاکم بن غار	کینه	کینه	کینه	کینه	کینه	کینه

این فالنامه عجیب و غریب یافته شده این است که از کاتبان یافتن قلمی یافته بود با این نام
از کاتب حضرت پیر غوث عبد القادر جیلانی قدس اشرفه تا بیست عدد فال از شریک
تلاش آورد و کلی ایات مهیا گشت هر کار کار دشوار پیش آید و منکره یک بار ناکمه
دسته بار اخلاص از صدق دل خوانده و نیت کار خود کرده چشم پوشیده و انگشت سیا
برین جدول بناده کرامت که زیر انگشت آید مطابق آن بنده در مندرجه دنیا
اشعار و غیره در طالع نامه مایند.

فالت منظوم!

۱	۲	۳	۴	۵
۱۰	۹	۸	۷	۶
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱
۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶
۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱
۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶

مطلب فالنامه

- ۱ درین فال کارت بیاید بدست
 - ۲ درین فال بیشک شوی بهره در
 - ۳ آسبگی کار باشد درست
 - ۴ درین فال روی تو بر هم شود
 - ۵ درین فال تو شادمانی کنی
 - ۶ تو یابی درین فال مطلب شتاب
 - ۷ بر آید درین فال کارت تمام
 - ۸ ترا کار نیکو نیست شود
 - ۹ مراد تو حاصل شود از عزیز
 - ۱۰ بر آید بفضل خدا کار آت
 - ۱۱ ایست خوب آمد چنین فال تو
 - ۱۲ درین فال کن مبریک چند روز
 - ۱۳ درین فال پر تیر باید شنید
 - ۱۴ مبریک و نیک است فالت مگر
 - ۱۵ بدل هر چه داری شود آن تمام
- بدست تو آید مرا ویکه هست
ولیکن بد شواری و بخت تو
درست دوست و درست دوست
که در هم کنی یک بر هم شود
بفضل خدا کارانی کنی
جواب تو گم همی با ثواب
ولیکن بخت و نعتی تمام
که شاید مطالب تو در بر شود
مکن هیچ اندیشه است بد قیمر
بیر شود هر چه خواهی
دل خویش کن جمع هر حال تو
بر آید سرانجام از دل فرد
و گرنه پشیمانی خواهی کشید
سرانجام خواهی شدن بهره در
ولیکن دشمن شوی بد نظام

ین بخش خدا گوی مطلب می
 مرادت اگر بسته ماند بجائے
 درین کار پر مینر کن اے جناب
 نیاید چنین کار تو هیچ هیچ
 درین فال کوشش مکن چند روز
 سرانجام این کار یابی عجیب
 دیدن فال یابی تو روزی و رزق
 اگر از کس چیز خواهی بخواه !
 سوال از کس گریه چیزے کنی
 میا در بدل این چنین کار را
 سرانجام خواهی بمطلب رسید
 درین فال کل نیست جز خار تو
 بحسب مراد تو خسرم شوی
 مکن کوشش ایام چندین درین
 مبارک و نیک است فالت و یک

در دینی کن تا که برے خورے
 آخر عمل شود او بفضل خدائے
 درین فال باید ترا اجتناب
 ازین قصد گر موش دارے به هیچ
 زمبر و سکون چراغ بر فروز
 که ایام باقی شوی خوش نصیب
 لهذا بجان دول آر صدق
 مدد و سوسے مابدل هیچ راه
 بمطلب رسی گر عزیزے کنی
 ز گردن بیگن ہمیں بار را
 بگوش تو آید کے خوش نوید
 که هرگز تیايد چنین کار تو
 بآب مقاصد تر نم شوی نه
 که آید بر آید سرانجام این
 سرانجام آید

بمقدار سی فال فیضان نوشت
 بنظم چنسیں شر را در دست

